

تأثیر انتفاضه ملت فلسطین بر رژیم صهیونیستی

دکتر حشمت الله مشایخی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۶/۹

فصلنامه آفاق امنیت / سال سوم / شماره هفتم - تابستان ۱۳۸۹

چکیده:

رژیم صهیونیستی با توجه به ماهیت اشغالگری و نادیده گرفتن حقوق مسلم ساکنان اصلی سرزمین فلسطین، از ابتدای تشکیل دولت یهودی در سرزمین‌های اشغالی همواره با بحران امنیتی و داخلی مواجه بوده است. با این حال، این رژیم تهدید اصلی خود را تهدید خارجی و پیرامونی قرار داده بود و اصولاً بحران‌های داخلی و مبارزات گروه‌های فلسطینی به ویژه فلسطینی‌های مناطق اشغالی برای این رژیم تهدیدی جدی محسوب نمی‌شد. اما شکل‌گیری انتفاضه و ادامه آن موجودیت و هویت کیان صهیونیستی را که وابسته به سه رکن اساسی مهاجرت، امنیت و اقتصاد است، با چالش‌های جدی مواجه و این رژیم را مجبور کرد بخشی از توان خود را در بخش‌های مختلف برای مقابله با این بحران مصروف سازد. هم‌چنین تحقق ایده‌های توسعه‌طلبانه این رژیم به ویژه در خاورمیانه با مشکل جدی روبه‌رو شد. بررسی ابعاد و میزان تأثیرات انتفاضه بر رژیم صهیونیستی به عنوان متغیری تأثیرگذار بر امنیت منطقه از اهمیتی خاص برخوردار است، لذا در این مقاله به شیوه توصیفی- تاریخی به بررسی این موضوع پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی:

انتفاضه، فلسطین، رژیم صهیونیستی، اسرائیل، امنیت ملی و قدرت ملی



مقدمه

مبارزات اسلامی و مردمی ملت فلسطین موسوم به «انتفاضه» که از سال ۱۹۸۷ علیه اشغالگران صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین آغاز و دامنه آن حتی به مناطق ۱۹۴۸ کشیده شد، مرحله‌ای جدید از مبارزه و نوع تعامل و روابط فلسطینی‌ها با اشغالگران بود که تفاوت‌هایی چشم‌گیر نسبت به قبل داشت. ادامه انتفاضه بنابر اعلام و اعترافات مقامات رژیم صهیونیستی، خسارات و تلفات عمده‌ای به این رژیم وارد کرد که در تاریخ شکل‌گیری آن تا آن دوره بی‌سابقه بوده است. انتفاضه نوع روابط و عملکرد صهیونیست‌ها را در قبال ملت فلسطین و مبارزات آنان تا حد زیادی دست‌خوش تغییر و تحول کرد و رژیم صهیونیستی را با بحران‌ها و تهدیدهایی متفاوت روبه‌رو ساخت و بحرانی امنیتی و داخلی پیش روی آن قرار داد، به گونه‌ای که توجه و توان ملی آن رژیم تا حدودی از نگرانی‌ها و تهدیدهای خارجی به سمت نگرانی‌های داخلی معطوف شد.

ملت فلسطین از ابتدای ورود مهاجران یهودی به این سرزمین و اشغال آن شاهد مبارزاتی بوده که در مقاطع مختلف زمانی از نظر وسعت، ماهیت و شدت متفاوت بوده است. می‌توان این مبارزات را به دوره‌های زیر تقسیم کرد:

قبل از سال ۱۹۴۸: در این سال‌ها درگیری‌ها عمدتاً بین مسلمانان با مهاجران یهودی بوده است. این درگیری‌ها از نظر وسعت و دامنه محدود و به صورت محلی در بخش‌هایی از سرزمین فلسطین بوده و از نظر به کارگیری سلاح نیز در سطح پایینی قرار داشته است.

۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳: در این برهه، عمده درگیری‌ها در سرزمین فلسطین بین رژیم صهیونیستی و دولت‌های عربی همسایه و پیرامونی بوده است. از مهم‌ترین آنها جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ بوده است. طرفین با شدت زیاد و امکانات و نیروی نظامی منظم در سطحی نسبتاً وسیع با همدیگر درگیر شدند. ابرقدرت‌ها در این جنگ‌ها دخالت کردند، اما سهم مردم فلسطین در این درگیری‌ها اندک بوده است.

۱۹۷۳ تا ۱۹۸۷: در این مقطع با توجه به شکست پی در پی کشورهای عربی از رژیم صهیونیستی و خارج شدن آنان از دایره جنگ‌ها، درگیری‌ها بین گروه‌های فلسطینی عمدتاً دارای گرایش‌های مارکسیستی، ناسیونالیستی عربی و التقاطی با رژیم صهیونیستی بود، و بیشتر از خاک کشورهای همسایه علیه این رژیم انجام می‌شد. شدت درگیری‌ها و



کمیت سلاح‌های به کارگیری شده علیه رژیم صهیونیستی اندک و محدود بود. مهم‌ترین اتفاق در این مقطع شکل‌گیری مقاومت اسلامی (حزب‌الله) لبنان به شمار می‌رود. ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۴: در این دوره انتفاضه‌های اول و دوم روی داد. با ظهور گروه‌های اسلامی هم‌چون جهاد اسلامی و حماس، رژیم صهیونیستی با قیام‌هایی مردمی موسوم به «انتفاضه» مواجه شد. انتفاضه اول در سال ۸۷ و انتفاضه الاقصی (دوم) در سال ۲۰۰۰ آغاز شد. انتفاضه دوم تا سال ۲۰۰۴ ادامه یافت.

با اینکه در طول انتفاضه، به ویژه انتفاضه اول، شدت درگیری و عملیات‌های نظامی و سلاح‌های به کارگیری شده از سوی فلسطینی‌ها کم بود، اما درگیری‌ها گسترده‌تری وسیعی داشت و تاکتیک‌ها و روش‌های مبارزان و گروه‌های اسلامی و مردمی بدیع و متفاوت با قبل بود که نمونه بارز آن عملیات‌های شهادت‌طلبانه و گسترش آن به مناطق اشغالی ۴۸^۱ بوده است.

انتفاضه اول مردم فلسطین را می‌توان حرکت مردمی ناشی از محرومیت و پایمال شدن حقوق و کرامت انسانی دانست. انتفاضه دوم نیز تداوم انتفاضه اول با تأثیرپذیری از الگوی مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان در برابر اشغال بخش‌هایی از جنوب این کشور توسط رژیم صهیونیستی بود که در نهایت موجب فرار موسوم به «عقب‌نشینی سال ۲۰۰۰» از جنوب لبنان شد.

شکست ارتش رژیم صهیونیستی در مقابل مقاومت اسلامی حزب‌الله این امید را در دل فلسطینی‌ها دوچندان کرد که این رژیم در مقابل مقاومت و قیام‌های مردمی آسیب‌پذیر است و می‌توان با چنین روش‌ها و تاکتیک‌هایی به مطالبات و حقوق خود دست یافت.

انتفاضه فلسطین به جای فشار از بیرون با تکیه بر راه‌ها و عوامل غیرنظامی قدرت (فرهنگی، سیاسی، روانی و اقتصادی) و هدف قرار دادن امنیت داخلی، رژیم صهیونیستی را که از جنبه‌های سخت‌افزاری در مقایسه با سایر کشورهای همسایه و منطقه‌ای قدرتی غیرقابل رقیب و شکست‌ناپذیر تلقی می‌شد، با مشکل بزرگی در داخل مرزهای جغرافیایی خود مواجه ساخت.

۱. مناطق اشغالی ۴۸ بخشی از سرزمین فلسطین است که رژیم صهیونیستی آن را تا قبل از سال ۱۹۴۸ اشغال کرده است و اکثر جمعیت آن یهودیان مهاجرند. فلسطینی‌های ساکن در این مناطق «اعراب اسرائیلی» نامیده می‌شوند و دارای تابعیت اسرائیلی هستند. سایر مناطق فلسطین که در جنگ ۱۹۶۷ ضمیمه اسرائیل شد، عمدتاً کرانه باختری و غزه را شامل می‌شود که اکثریت آن (جز شهرک‌نشینان یهودی موسوم به «مستوطنات») فلسطینی هستند. هم‌اکنون نوار غزه در اختیار حکومت حماس و کرانه باختری با توافق اسرائیل در اختیار حکومت خودگردان (سلطه) فلسطینی به ریاست محمود عباس (ابومازن) است.

انتفاضه موجب شد اولویت تهدیدهای امنیتی اسرائیل در یک مقطع مهم از خارج (تهدیدهای خارجی) به سمت داخل (تهدیدهای داخلی) گرایش پیدا کند و بخش عمده‌ای از توجه و توان این رژیم در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی صرف حل بحران‌ها و چالش‌های محیط درونی و ملی خود و مقابله با فلسطینی‌ها شود و تأخیر جدی در تحقق برخی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های توسعه‌طلبانه این رژیم در ابعاد جغرافیایی، سیاسی، نظامی و اقتصادی که تهدیدی هم برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه محسوب می‌شود، ایجاد کند.

بر این اساس، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که انتفاضه ملت فلسطین چه تأثیری بر مؤلفه‌های قدرت و امنیت رژیم صهیونیستی داشته است؟ فرضیه مقاله نیز «انتفاضه را تهدیدی عمده برای رژیم صهیونیستی در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی» می‌داند. این تحقیق با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی به میزان تأثیرات انتفاضه بر رژیم صهیونیستی می‌پردازد. این پژوهش در چهار بخش سازماندهی شده است: نخست، مبانی نظری تحقیق؛ دوم، اهداف و سیاست‌های رژیم صهیونیستی؛ سوم، علل و زمینه‌های شکل‌گیری انتفاضه؛ چهارم، دستاوردهای انتفاضه.

مبانی نظری

۱. اصل نسبی بودن قدرت و امنیت

امنیت ملی در درجه نخست ناشی و متأثر از قدرت ملی کشور است. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های اساسی امنیت و قدرت، نسبی بودن آنهاست که متأثر از محیط، کشورهای پیرامونی و بازیگران منطقه‌ای و جهانی به ویژه قدرت‌ها و کشورهای است که به عنوان تهدیدی بالفعل یا بالقوه برای آن کشور محسوب می‌شوند. لذا کشورها برای تأمین امنیت ملی و رسیدن به سطح قابل قبولی از امنیت و بازدارندگی با اتخاذ سیاست‌ها، راهبردها و روش‌های مختلف در ابعاد داخلی و خارجی سعی دارند قدرت خود را در برابر دیگران به ویژه دشمنان و رقیبان و همسایگان خود افزایش دهند و از قدرت دیگران بکاهند.

هم‌چنین درگیر شدن یک رژیم و دولت با مشکلات و بحران‌های داخلی فرصتی برای دشمنان و رقیبان خارجی آن فراهم می‌کند (تا در پرتو مشغول بودن آن



دولت به حل مشکلات و بحران‌های داخلی و اختصاص بخش بیشتری از ظرفیت‌ها و توان ملی خود برای آنها) به پیگیری منافع و اهداف امنیت ملی خود در داخل آن کشور و سطح منطقه‌ای و جهانی بپردازند و از عملی شدن تهدید جلوگیری کنند یا از سطح و شدت و دامنه تهدیدهایی بکاهند که از سوی کشور درگیر بحران متوجه آنهاست.

۲. اصل موازنه قدرت

مورگنتا از صاحب‌نظران بنام عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، در کتاب سیاست بین‌الملل می‌گوید: همه کشورها دائماً سعی دارند هدف‌ها و منافع ملی خود را با اعمال قدرت نظامی به دست آورند. در نتیجه این اعمال قدرت، نوعی جنگ قدرت دائم در جریان خواهد بود. هر کشور به منظور دستیابی به استقلال کامل، تأمین امنیت یا تعقیب منافع ملی خود دائماً برای جلوگیری از تسلط دیگران بر خود کوشش می‌کند. بنابراین هر کشور در تلاش است از امکان بروز هر نوع قدرت فائقه جلوگیری کند. اگر این اقدام با شکست مواجه شود و قدرتی فائقه پدید آید، کشورهای دیگر بلافاصله برای ایجاد موازنه قوا با آن قدرت در نوعی اتحادیه با دیگران شرکت خواهند کرد. این اقدام متوازن‌کننده ممکن است به دو شکل کوشش برای کاهش توان قدرت فائقه و تقویت قدرت‌های ضعیف انجام گیرد.

روش اول را می‌توان با ایجاد انقلاب در کشور تهدیدکننده یا ایجاد شکاف و اختلاف در جامعه مذکور عملی ساخت. با ایجاد انقلاب یا شکاف و اختلاف، جامعه مذکور از لحاظ بنیه نظامی ضعیف خواهد شد، در نتیجه، کشور تهدیدکننده نیروی خود را به اجبار به جای ایجاد خطر برای کشورهای دیگر، برای تثبیت اوضاع داخلی خود صرف می‌کند. بدین ترتیب، خطر تهاجم آن از بین می‌رود. (سیف‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۱)

فیلیپ آلن رینولدز، اندیشمند روابط بین‌الملل، درباره اهداف سیاسی خارجی و منافع ملی معتقد است: «ابزارهای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و منافع ملی بر دو گونه‌اند: نخست، ابزارهایی که مستقیماً یا رسماً در روابط میان دولت با دولت به کار می‌روند. دوم، ابزارهایی که به گونه غیررسمی یا از راه رخنه‌گری به دست می‌آیند. با این ابزارها عاملان و دست‌نشانندگان یک کشور بر جمعیت کشور یا بخشی از آن یا فرآیندهای جاری آن تأثیر می‌گذارند.» (رینولدز، ۱۳۸۰: ۷۵)



۳. اصل مداخله

دخالت به معنی اعمال نظر دولتی در قلمرو دولتی دیگر است. «اگرچه مداخله تهدیدی برای استقلال و امنیت تلقی و در حقوق بین‌الملل غیرمجاز اعلام می‌شود، اما امروز مفهوم مداخله بسیار حساس و پیچیده شده است. برخی آن را معادل قسمتی از روابط بین‌الملل می‌دانند که در چارچوب آن دولت‌ها همواره در امور داخلی سایر دولت‌ها مداخله می‌کنند. به عبارت دیگر، وسعت روابط بین‌الملل و همچنین توجه هر حکومت به امنیت کشورش ایجاب می‌کند که دولت‌ها در بسیاری از امور یکدیگر به نوعی مداخله کنند. پذیرش حفظ منافع ملی به عنوان یک اصل در تنظیم روابط ایجاب می‌کند که هر دولتی برای تأمین آن خود را ذی‌حق بداند و در امور داخلی کشوری دیگر که به نحوی با منافع ملی‌اش مرتبط است، مداخله کند. طرف مقابل نیز با تکیه بر اصل استقلال و تساوی حقوق دولت‌ها می‌تواند نوع موضع‌گیری در قبال خود را «مداخله» قلمداد کند.» (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۵۱)

از زمانی که حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و پایان دوران استعمار در عرصه بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت و نهضت‌های آزادی‌بخش در جامعه جهانی مطرح شدند، تعاریف و تعبیر مختلفی برای شناخت آنها مطرح شد. برخی آن را «نهضت‌های رهایی‌بخش» نامیدند با این باور و برداشت که «نبردهای سازمان‌یافته مردمی ستمدیده که برای دستیابی به استقلال با همه شکل‌های مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو صورت می‌گیرد»، نبردی رهایی‌بخش است. این مسئله در سازمان ملل متحد نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس مجمع عمومی سازمان ملل در بسیاری از قطعنامه‌هایش با تأکید بر حق خودمختاری، به عنوان یک اصل و حق خودمختاری سرزمین‌های تحت استعمار، نهضت‌های رهایی‌بخش را گروه‌هایی نامید که برای خودمختاری و رهایی از استعمار و اشغال بیگانه و رژیم‌های نژادپرست در راه احقاق حق تعیین سرنوشت ملت خود می‌کوشند. (مرکز باحث للدراسات، ۲۰۰۲؛ فروند، ۱۳۸۰: ۱۹)

پروفسور باری بوزان، استاد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، معتقد است: «قدرت‌های بزرگ این حق را برای خود مسلم می‌دانند که منافع خود را در خارج از مرزهای خود جست‌وجو کنند.» (بوزان، ص ۵۱)



کی. جی. هالستی یکی از اهداف مهم سیاست خارجی هر کشور را حمایت از دوستان ذکر می‌کند و اهداف میان‌مدت و اولویت‌دار (زمانی) هر کشور را تضعیف مخالفان و حمایت از متحدان و دوستان می‌داند و امنیت ملی، یکپارچگی سرزمین و رفاه اقتصادی را جزء اهداف حیاتی تلقی می‌کند.» (صادقی حقیقی، ص ۲۲۲)

هالستی از نفوذ به عنوان جنبه‌ای از قدرت که اساساً ابزاری برای رسیدن به هدف است، یاد می‌کند (همان، ص ۲۵۱) و می‌افزاید: «در عصر ما توان رخنه در جوامع خارجی با استفاده از وسایل سیاسی و شبه‌نظامی به اندازه توانایی اقدام به تهدید نظامی، محاصره دریایی یا مبادرت به حمله‌های نظامی متعارف اهمیت دارد؛ به ویژه دولت‌های (از لحاظ نظامی) ضعیف با هدف‌های انقلابی یا توسعه‌طلبانه می‌توانند با هدایت عملیات مخفیانه در خارج به هدف‌های خود دست یابند. مطمئناً یک دولت قدرتمند دولتی نیست که صرفاً نیروی نظامی گسترده متعارف یا هسته‌ای دارد.» (همان، ص ۴۲۴)

اهداف و سیاست‌های رژیم صهیونیستی

اهداف و سیاست‌های داخلی و خارجی هر کشور با توجه به عوامل و شرایط ثابت و متغیر ژئوپولیتیک آن کشور، روند توسعه داخلی، شرایط و روند تحولات خارجی و درک ماهیت، شدت و دامنه تهدیدهایی که ارزش‌ها و منافع آن کشور را در معرض خطر قرار می‌دهند، طراحی و اجرا می‌شوند.

۱. متغیرهای مؤثر در سیاست داخلی و خارجی

الف) موقعیت جغرافیایی

فلسطین اشغالی کشوری با عرض و طول اندک است که در قلب کشورهای اسلامی و عربی قرار دارد و مرکز تلاقی سه قاره است. به علت هم‌جواری با کانال سوئز و دریای سرخ اهمیتی راهبردی دارد و در گذشته نیز بر سر شاهراه مهم بازرگانی بیزانس به مصر و ایران و هند بوده است. شهر قدس و مسجد الاقصی که مورد احترام تمام ادیان است، در فلسطین قرار دارد.

ب) نظام بین‌الملل

از نظر سیاست‌مداران اسرائیل، این رژیم برای حفظ بقا و موجودیت خود، با توجه به منافی که برای غرب دارد، مورد حمایت آنهاست. لذا از ابتدای تأسیس، از این جو بین‌المللی نهایت استفاده را کرد. به رغم روابط نزدیک شوروی با اعراب، از همان ابتدا دو ابرقدرت و حدود ۵۰ کشور این رژیم را به رسمیت شناختند.

ج) نهادها و مسائل داخلی

راهبرد کلی سیاست خارجی می‌تواند با ماهیت ایستارهای داخلی و نیازهای اجتماعی و اقتصادی اسرائیل پیوند داشته باشد. مسئله هزینه جذب یهودیان و تأثیر آن بر اقتصاد و تأمین منابع آب که نقش حیاتی در توسعه و جذب مهاجران دارد، از مهم‌ترین این عوامل است.

د) میزان درک تهدید (بر آورد تهدیدها)

اسرائیل از بدو موجودیت و حتی قبل از آن، که یهودیان مهاجر برای تصاحب سرزمین‌های فلسطینی اقدام می‌کردند، به طور مداوم در حال جنگ با اعراب بوده است. آنچه سیاست خارجی اسرائیل همواره متأثر از آن بوده احساس نگرانی و تهدید از ناحیه کشورهای منطقه و اعراب داخل فلسطین است. (المیسری، ۱۳۷۴: ۱۲۵؛ نورانی، ۱۳۷۶: ۱۲۵)

۲. اهداف حیاتی یا فوری

الف) تثبیت موجودیت و استقلال سیاسی و امنیتی دولت صهیونیستی
از ابتدای اعلام موجودیت اسرائیل در سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸ یکی از دل‌مشغولی‌های این رژیم حفظ موجودیت خود بوده است، زیرا کشورهای اسلامی و اعراب منطقه (در ابتدا) با تشکیل دولتی غاصب در خاک فلسطین مخالف بودند و حالت جنگ و خصومت از میان این رویداد بود. اسرائیل برای رسیدن به این هدف جنگ تمام‌عیاری را علیه ساکنان عرب فلسطینی شروع کرد و چندین جنگ را نیز با اعراب پشت سر گذاشت. این جنگ‌ها برای حفظ موجودیت و امنیت صورت گرفت. اگرچه از ابتدا قدرت‌های بزرگ - آمریکا و شوروی - و چندین کشور موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناختند، اما همسایگان عرب این رژیم به طور رسمی مشروعیت آن را نپذیرفتند. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی با استفاده از زور و نیروی نظامی به سرکوب فلسطینیان پرداخت تا موجودیت خود را در بعد داخلی بر فلسطین تحکیم بخشد، زیرا معتقد بود: «موجودیت ما در این سرزمین حتمی



است و هیچ زوری نمی‌تواند ما را از اینجا بیرون کند.» (المیسری، ۱۳۷۴: ۱۲۵)

ب) یکپارچگی سرزمین

جنبش صهیونیسم اندیشه «کشور بدون ملت برای ملت بدون کشور» را شعار خود قرار داده بود. این اندیشه از نظر تاریخی، تئوری استعماری جنبش صهیونیست است. مهم‌ترین هدف صهیونیست‌ها نیز دستیابی به دولتی یهودی یکپارچه در سرتاسر فلسطین است. بنابراین، ساکنان عرب فلسطین یا باید جابه‌جا شوند یا تحت اختیار یهودیان قرار گیرند. (خسروی، ۱۳۷۴)

ج) تأمین امنیت داخلی و ملی

امنیت به حدی در فرآیند تصمیم‌گیری در اسرائیل نقش دارد که تقریباً تمام ابعاد سیاست خارجی و حتی اجرای عمده سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی در داخل را تحت تأثیر قرار داده است. (هیلر، ۱۳۸۱: ۱۵)

شیمون پرز، از سران صهیونیست، از سردمداران جناحی از صهیونیست‌هاست که معتقد به اولویت اقتصاد در توسعه سیطره بر خاورمیانه‌اند؛ در عین حال، این جناح مانند جناح معتقد به اولویت‌های نظامی، معتقد است ثبات اوضاع امنیتی در فرآیند تصمیم‌گیری در اسرائیل هم‌چنان نقش اول دارد. پرز در کتاب خود به نام به کدام سوی رویم؟ به این مسئله اشاره دارد. (نقیب‌زاده، ۷۵) فرآیند مذکور به صورت نمودار بیان شده است:



شارون در کنفرانس هرتسلیا با اشاره به طرح «نقشه راه» که از سوی بوش برای صلح در خاورمیانه و فلسطین مطرح شده بود، گفت: «نقشه راه طرحی منطقی است که اجرای آن ممکن و واجب است. تفکر نهفته و رای این طرح فقط امنیت است و این امنیت موجب صلح می‌شود. به این ترتیب، بدون به دست آوردن امنیت کامل که انهدام سازمان‌های تروریستی فرعی از آن است، هرگز صلح واقعی و دائم به دست نمی‌آید. این ماهیت نقشه راه است.» (سخنرانی شارون در کنفرانس هرتسلیا، ۲۰۰۳)

۳. اهداف میان‌مدت

الف) عادی‌سازی روابط (طرح صلح)

هدف از عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب و منطقه به رسمیت شناختن و قبول موجودیت اسرائیل به عنوان کشوری مستقل با هویت یهودی است. (خسروی، ۱۳۷۷)

ب) توسعه و رفاه اقتصادی در داخل و افزایش همکاری اقتصادی در منطقه
توسعه اقتصادی و رفاه اقتصادی زمینه‌ای برای جذب بیشتر یهودیان و ماندگاری آنها در فلسطین است. همین امر اسرائیل را بر آن داشته است توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه را سرلوحه اهداف حیاتی خود قرار دهد. موفقیت طرح اسکان یهودیان در فلسطین به ایجاد اشتغال برای مهاجرین و فراهم‌سازی زندگی سطح بالا نسبت به محل سکونت اولیه آنها بستگی دارد و بدون تحقق این مطلب، انگیزه‌ای برای جذب و اسکان یهودیان وجود نخواهد داشت. (عیسی، ۱۳۷۳)

در بعد خارجی نیز اسرائیل تلاش دارد با همکاری با کشورهای منطقه در ابعاد اقتصادی هم به اقتصاد داخلی خود سر و سامان بخشد و هم از بازار عربی برای فروش محصولات خود استفاده کند و نیز با افزایش این همکاری‌ها زمینه خروج خود را از محاصره سیاسی و عدم مشروعیت بین اعراب فراهم آورد. دستیابی به منبع انرژی و نفت نیز از اهداف اصلی دیگر همکاری‌های اقتصادی است.

ج) منزوی کردن و محاصره انقلاب اسلامی ایران (ابوجهاد، ۱۳۷۴)

د) تقویت روابط راهبردی با ایالات متحده آمریکا (همان)

هـ) برتری مطلق (نظامی) در منطقه (چامسکی، ۱۳۶۹: ۲۱۱)

و) اسکان یهودیان در فلسطین



اسکان یهودیان در فلسطین رابطه مستقیم با موجودیت اسرائیل و هویت‌زدایی و تغییر بافت جمعیتی فلسطینیان دارد. قبل از تأسیس این موجودیت، یکی از اهداف اصلی جنبش صهیونیسم انتقال یهودیان به سرزمین فلسطین برای شکل‌گیری و ادامه حیات دولت یهودی بوده است. (خسروی، ۱۳۷۷)

ز) ممانعت از ایجاد وحدت عرب و نابودی آنان

مناخیم بگین می‌گوید: «بقای اسرائیل در گرو نابودی تمدن عرب و ایجاد تمدن یهودی بر ویرانه‌های آن است.» (رباعه، ۱۳۶۸: ۱۲۷)

۴. اهداف بلندمدت

الف) تحقق اسرائیل بزرگ (از نیل تا فرات)

هرتزل در نامه‌ای در ۲۹ اکتبر ۱۸۹۹ کمی پس از برگزاری کنگره صهیونیسم جهانی، درک عمیق صهیونیسم را در سیاست خارجی چنین بیان می‌کند: «قبل از اینکه دیر شود هر از گاهی به برنامه فلسطین بزرگ (اسرائیل بزرگ) مراجعه کنید. برنامه کنفرانس بال باید شامل واژه فلسطین و سرزمین‌های مجاور باشد وگرنه بی‌معناست زیرا نخواهید توانست ۱۰ میلیون یهودی را در سرزمینی به مساحت ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع بپذیرند. [نمی‌توانید زمینه پذیرش آنها را فراهم کنید.]» (همان)

ب) حفظ سیادت و آقایی بر خاورمیانه و جهان

خاخام الیعازر والدمن در مقاله‌ای در روزنامه نکوداد نوشت: «از طریق جنگ شش روزه قدرت نظامی خود را ثابت کردیم... ما مسئول حفظ نظم در خاورمیانه و جهان هستیم.» (همان)

ج) توسعه طلبی

بن گوریون می‌گفت: «مرزهای دولت تا هر جایی است که گام‌های سپاه ما به آن برسد.» وی این بیان را الهام گرفته از تورات می‌داند که به موسی گفته شد: «هر مکانی که زیر پای شما قرار گیرد هدیه‌ای برای شماست.» (انتشارات بین‌المللی

اسلامی، ۱۳۶۳)

علل، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری انتفاضه

۱. محرومیت و تحقیر

در باب خشونت، شورش، قیام و انقلاب از دیدگاه اجتماعی و جامعه‌شناسانه نظریه‌های متعددی ارائه شده است که اکثر قریب به اتفاق آنها علت اصلی را سرخوردگی، محرومیت، احساس شکاف (رابرت کر، ۱۳۷۹: ۱۸) و فاصله میان توقعات‌شان از یک سو (توقعات ارزشی) و توانایی‌ها و امکانات‌شان (توانایی‌های ارزشی) از سوی دیگر، غصب و تهدید حقوق، استبداد و بردگی، احساس ناامنی و ناامیدی، بیگانگی و سرخوردگی، (همان، ۴۱۰) «عدم تناسب‌ها» یا «تناقض‌ها» و... می‌دانند که به «طغیان و عصیان یک ناحیه و سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب می‌انجامد».

در اکثر موارد، انقلاب، دست‌کم از نظر بسیاری از بازیگران، ناگهان و یکباره عملی نمی‌شود، بلکه به تدریج و به صورت جریانی متوالی در مقابل حوادث ظاهر می‌شود و گسترش می‌یابد.

براساس همین مبانی، انتفاضه را می‌توان نتیجه منطقی چند دهه محرومیت ملت فلسطین از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی دانست. تا زمانی که این علت (محرومیت) مرتفع نشود، نمی‌توان انتظار داشت که معلول (انتفاضه) چنان که رژیم صهیونیستی انتظار آن را دارد، از بین برود؛ گرچه ممکن است فراز و نشیب‌هایی در زمان‌ها و شرایط مختلف داشته باشد.

۲. انقلاب اسلامی و افکار امام خمینی (ره)

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در اواخر دهه ۱۹۷۰ مهم‌ترین عامل رشد فزاینده گروه‌های اسلامی در جهان بوده و یکی از حوادث مهم قرن تلقی شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امواج بیداری در جهان به ویژه در کشورهای اسلامی، از جمله در خاورمیانه به حرکت درآمد. این حرکت، حرکتی اسلامی و مبتنی بر بازگشت به خویشتن با تأکید بر هویت فراموش شده اسلامی برای برخورد با مسائل مختلف بشری و در خلاف جهت منافع و اهداف امپریالیسم جهانی بود.

این انقلاب بر مبارزات مردم فلسطین بسیار تأثیرگذار بوده است که به صورت «انتفاضه» مردمی و حرکت‌های اسلامی نمود پیدا کرد. در دیدگاه‌ها و اندیشه‌های



امام خمینی (ره) از همان ابتدای مبارزه، مسئله فلسطین جایگاهی ویژه و ممتاز داشته است. ایشان در شروع مبارزه خود در ۲۹ صفر ۱۳۸۷ هـ ق در پیام خود تجاوزات اسرائیل را به مسلمانان جهان گوشزد کردند و فرمودند: «کراراً دولت‌ها به خصوص دولت ایران را از اسرائیل و عمال خطرناک آن تحذیر نموده‌ام. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش هر روز ممالک اسلامی را تهدید می‌کند، باید به همّت ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه کن شود. اسرائیل قیام مسلحانه ضد ممالک اسلامی نموده و بر دول و ملل اسلام قلع و قمع آن لازم است.» (پیام انقلاب، ص ۱۰۰)

امام خمینی (ره) چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در اقدامی راهبردی آخرین جمعه رمضان را «روز قدس» نامیدند و در پیامی خطاب به مسلمانان جهان ضمن تذکر خطر اسرائیل، خواستار اتحاد مسلمانان و کشورهای اسلامی برای مبارزه با اسرائیل و حمایت از حقوق ملت فلسطین شدند. (تقی‌پور، ص ۳۱) دولت جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره از مبارزات ملت فلسطین حمایت کرده است.

به طور کلی تأثیرات انقلاب اسلامی و افکار امام خمینی (ره) بر انتفاضه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- خودباوری ملت‌های مسلمان در قبال مستکبران و دشمنان؛
- راهبرد پیروزی خون بر شمشیر؛
- فتاوی فقهی علمای شیعه در حمایت از ملت فلسطین و انتفاضه (شهاد، کمک مالی و وجوهات شرعی، عملیات استشهادی و...)
- تکیه‌گاهی عظیم و پشتوانه‌ای مطمئن در حمایت از مبارزات بحق ملت فلسطین علیه اسرائیل؛ این حمایت حتی قبل از پیروزی انقلاب وجود داشته و به صورت لایتغیر بلکه با شدت بیشتری پس از انقلاب ادامه یافته و هیچ‌گونه سازش و نرمشی درباره آن در سیاست خارجی ایران حاصل نشده است.
- کمک‌های انسان‌دوستانه مستمر و دائم به ملت فلسطین و انتفاضه.

۳. تجاوز اسرائیل به لبنان و پیروزی حزب‌الله

از عوامل خارجی تأثیرگذار دیگر در شکل‌گیری، تشدید و ادامه انتفاضه فلسطین



تجاوز اسرائیل به لبنان بوده است که با اهدافی از جمله نابودی گروه‌های فلسطینی مستقر در لبنان و تشکیل دولت مسیحی (فالانتر) طرفدار اسرائیل در این کشور صورت گرفت. اما پس از چند سال این تجاوز موجب شد که کانون مقاومت گروه‌های فلسطینی به داخل سرزمین‌های اشغالی کشیده شود. دیگر اینکه به علت مذاکراتی که برای سازش صورت گرفت، عرفات و سایر گروه‌های فلسطینی به داخل سرزمین‌های اشغالی بازگشتند.

از سوی دیگر، این تجاوز موجب شکل‌گیری مقاومت اسلامی در لبنان و حزب‌الله شد. شکل‌گیری حزب‌الله و پیروزی‌های آن، هم‌چنین «عملیات استشهادی» (که برای اولین بار توسط حزب‌الله صورت گرفت) سرمشقی برای مبارزات و مقاومت مردم و گروه‌های فلسطینی شد و اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل را باطل ساخت.

۴. ناامیدی از کشورهای عربی و شعارهای ناسیونالیستی عربی

مردم فلسطین از زمان اشغال سرزمین‌شان و تشکیل دولت صهیونیستی تا به وجود آمدن انتفاضه، عدم حمایت کشورهای عربی از قضیه فلسطین را تجربه کردند. با اینکه تمام کشورهای عربی (به ویژه مصر، اردن و عراق) همواره شعار حمایت از فلسطین را به عنوان نمادی از امت عرب در سیاست‌های خارجی خود مطرح می‌کردند، هیچ‌گاه از این مسئله حمایت واقعی نکرده و حتی در بسیاری موارد خود از پیشگامان برقراری روابط و همکاری آشکار یا پنهان با رژیم صهیونیستی بوده‌اند. آنها در مواقع حساس و اوج‌گیری مبارزات ملت فلسطین به ویژه در مقطع مردمی شدن مبارزات و شکل‌گیری انتفاضه با بی‌توجهی به حقوق از دست رفته فلسطینی‌ها با پیشنهاد کردن و همکاری فعال در مذاکرات سازش سعی در خاموش کردن مبارزات مردم فلسطین و به سازش واداشتن گروه‌های جهادی داشته‌اند.

از زمان ورود مهاجران صهیونیست و یهودیان به سرزمین فلسطین و اشغال آن، تا به وجود آمدن انتفاضه، گروه‌های مارکسیستی-کمونیستی و دارای گرایش‌های التقاطی، هم‌چنین کشورهای عربی که با شعار ناسیونالیسم عربی و ملی‌گرایی خود را مدعی حمایت از مسئله فلسطین می‌دانستند، هیچ‌گونه موفقیتی در برابر صهیونیست‌ها کسب نکردند. حتی ارتش‌های عربی در جنگ‌های پیاپی ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ از اسرائیل شکست خوردند و فقط در مقطعی کوچک مقاومت‌هایی

علیه سیل مهاجران یهودی صورت گرفت که آن هم در نتیجه ناامیدی از حمایت کشورهای عربی و با تکیه بر مبانی اسلامی بود که شیخ عزالدین قسام رهبری آن را برعهده داشت. اما پس از آن دوران، با دخالت کشورهای عرب و با فریب دادن رهبر این قیام و شهادت قسام، قیام فروکش کرد. (شاتر؛ ۲۰۰۵: ۱۳۵)

شیخ احمد یاسین، از رهبران فلسطینی، درباره درگیری ارتش اعراب به ویژه مصر با اسرائیل می‌نویسد: «ارتش‌های عربی سلاح را از دست ما فلسطینی‌ها گرفتند با این توجیه که آنها برای جنگ با اسرائیل به فلسطین آمده‌اند و نباید هیچ نیروی مسلح دیگری غیر از آنان در صحنه وجود داشته باشد. به این ترتیب، سرنوشت ما به آنها گره خورد و وقتی شکست خوردند، ما نیز شکست خورده بودیم بی‌آنکه جنگیده باشیم. از آن پس باندهای صهیونیستی فجایع متعددی مرتکب شدند و با خون‌ریزی فراوان شهروندان بی‌دفاع را به هراس افکندند. اگر سلاح در دست ما بود، وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.» (همشهری، ۱۷ فروردین ۸۳)

شکست اعراب در چهار جنگ بزرگ با صهیونیست‌ها از یک سو و تحولات سیاسی در جهان عرب از سال ۱۹۸۲ تا کنفرانس سران عرب در امان در نوامبر ۱۹۸۷، فلسطینی‌ها را به سوی ناامیدی بیشتر از کشورهای عربی در مبارزه با رژیم صهیونیستی سوق داد.

۵. ناکارآمدی گروه‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی

یکی دیگر از عوامل و پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری انتفاضه را می‌توان ناامیدی نسبی مردم ساکن مناطق اشغالی از مبارزات سازمان‌ها و گروه‌های فلسطینی (دارای گرایش‌های ناسیونالیستی- مارکسیستی) از جمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین به عنوان شاخص‌ترین نیروی مبارز فلسطینی تا این زمان دانست.

ساف به تدریج با پیش گرفتن سازش به ویژه پس از خروج از لبنان، اسیر سیاست‌های اسرائیل و دولت‌های منطقه شد. هر چند سعی کرد در چارچوب سیاست‌های آمریکا و اسرائیل بخشی از حقوق مردم فلسطین را به دست آورد، اعلام کهنگی منشور ساف از سوی عرفات و به رسمیت شناختن قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل و به تبع آن شناسایی موجودیت و حقوق اسرائیل از سوی ساف و انصراف از مشی مسلحانه، امیدی را که فلسطینی‌ها به این سازمان داشتند تا حد

زیادی ناامید کرد. آنان سعی کردند با تکیه بر توان خویش به مبارزه علیه دشمن بپردازند و انتفاضه را به وجود آورند.

۶. ناامیدی از تلاش کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی

مردم فلسطین طی شش دهه که از اشغال سرزمین‌شان گذشت، تجربه کردند که میزان تلاش و حمایت سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی به ویژه سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا از ملت فلسطین به چه میزان و با چه صداقتی بوده و تا چه حد موجب اقدامی عملی برای احقاق حقوق آنها شده است.

تا سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۸۰۰ قطعنامه از سوی سازمان ملل در موضوع فلسطین صادر شده که عمدتاً در حمایت از مردم فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی و تجاوزات و تضييع حقوق فلسطینیان بوده است. اما تاکنون هیچ‌یک از آنها عملی نشده است. رژیم صهیونیستی بی‌اعتنا به این قطعنامه‌ها به قتل، کشتار، مصادره زمین و خانه‌ها و اموال فلسطینی‌ها ادامه داد و ایالات متحده آمریکا هم‌چنان به حمایت و کمک به اسرائیل پرداخت و قطعنامه‌های شورای امنیت را که در محکومیت رژیم صهیونیستی با اکثریت قاطع یا قریب به اتفاق اعضا به تصویب رسیده بود وتو کرد و در مقابل، مبارزات مردم فلسطین را مصداقی از تروریسم دانست. این مسئله موجبات ناامیدی بیشتر مردم فلسطین از مجامع بین‌المللی و کشورهای خارجی به ویژه آمریکا را فراهم کرد، لذا مصمم شدند با تکیه بر اراده جمعی و داخلی به مبارزات خود ادامه دهند.

۷. ناامیدی از مذاکرات صلح و سازش

عقب‌نشینی کشورهای عربی به ویژه مصر و اردن از مواضع و شعارهای خود در تلقی رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن و برقراری روابط پنهان و آشکار و بستن پیمان‌های صلح و همکاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و ... به تدریج بر برخی گروه‌های فلسطینی به ویژه ساف تأثیر مستقیم و قابل توجهی گذاشت. این کشورها که معتقد به صلح و سازش با رژیم صهیونیستی بودند، با کاهش یا قطع کمک‌های خود، ساف را تحت فشار گذاشتند تا راه سازش و به اصطلاح صلح با رژیم صهیونیستی را در پیش گیرد. از سوی دیگر، ناکامی گروه‌های فلسطینی و



ساف طی دو دهه گذشته در کسب دستاوردی خاص موجب شد بر اثر فشار برخی قدرتها و کشورهای دارای منافع و نفوذ در قضیه فلسطین، وارد مذاکرات صلح و سازش با اسرائیل شوند و حتی برخی اصول و منشور سازمان آزادی‌بخش فلسطین را تغییر دهند تا بلکه به حداقلی از حقوق نائل آیند. اما گذشت زمان و عدم کسب دستاوردی خاص برای فلسطینیان در مذاکرات و پیمان‌های صلح از جمله مادرید، اسلو، غزه - اریحا، وادی عرب، طابا، الخلیل، وای ریور ۱ و ۲، کمپ دیوید ۲، اجلاس شرم الشیخ، سران عرب در قاهره و طرح نقشه راه، موجب شکل‌گیری انتفاضه‌های اول و دوم و ادامه آنها شد.

نگاه و باور سران رژیم صهیونیستی به مذاکرات صلح نه قائل شدن و نه دادن حقی به فلسطینیان است. هدف آنها توقف انتفاضه، ایجاد اختلاف بین صفوف فلسطینیان و به دست آوردن فرصت و شناسایی و رسمیت دادن به موجودیت خود در منطقه و جهان است. در این راه جناح طرفدار سازش با اسرائیل مصمم بوده است به رغم مخالفت گروه‌های اسلامی و اکثریت مردم فلسطین و تجربه عدم پای‌بندی آن رژیم به توافقات، هم‌چنان به مذاکرات ادامه دهد.

اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، که قرارداد اسلو (۱۹۹۳) را با عرفات امضا کرد، در این زمینه می‌گوید: «ما وقتی با ساف مذاکره می‌کنیم، از آنجا که ساف هیچ‌گونه برگ برنده‌ای برای رو کردن بر سر میز مذاکره ندارد، در واقع داریم با خودمان مذاکره می‌کنیم. یعنی مذاکره دو طرفه نیست بلکه یک مونولوگ است بین خود ما و خود ما.» (رسالت، بهمن ۷۹: ۲۰)

در همین زمینه روزنامه امریکایی ساینس مانیاتور پس از امضای پیمان غزه - اریحا نوشت: «اگر به خاطر مسلمانان رادیکال نبود، صلح بین اسرائیل و ساف هرگز به وقوع نمی‌پیوست. کارشناسان غربی در تحلیل خود از چگونگی امضای پیمان سازش اعلام کردند که اوج‌گیری انتفاضه هم صهیونیست‌ها و هم ساف را تهدید می‌کرد. آنها متقاعد شدند که اگر فرصت پیش‌آمده در گفت‌وگوهای جاری را به یک صلح و توافق واقعی تبدیل نکنند، در بلندمدت هر دو ضرر خواهند کرد.»

هم‌چنین روزنامه پراودا در بخشی از مقالات خود در این باره نوشت: «اسرائیل درصدد بود از انتفاضه و تبعات آن رهایی یابد. انتفاضه خسارت سنگینی به اسرائیل وارد کرد. اسرائیل ناگزیر به پیدا کردن راه‌حلی برای انتفاضه بود. صلح اسرائیل و



عرفات می‌توانست ابعاد انتفاضه را محدود سازد و این مطلوب اسرائیل بود. اسرائیل هر روز در سرزمین‌های اشغالی تلفات می‌داد و در وضعیت بحرانی به سر می‌برد و بسیاری از امکانات نظامی و اقتصادی را صرف رویارویی با انتفاضه کرده بود. لذا فکر می‌کرد از طریق صلح با عرفات می‌تواند انتفاضه را خاموش کند.» (جمهوری اسلامی، ۲۷ آذر ۷۹)

به نوشته روزنامه رسمی عربستان سعودی، یاسر عرفات در ماه‌های پایانی عمر به پای‌بند نبودن رژیم صهیونیستی به مذاکرات صلح و فریب خوردن خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «امریکا و رژیم صهیونیستی مرا فریب دادند، زیرا آنها به وعده‌هایی که داده بودند، عمل نکردند. آنها هم‌چنین به تعهدات مربوط به قوانین بین‌المللی، توافق‌های مادرید و اسلو پای‌بند نبودند.» (کیهان، ۱۴ اردیبهشت ۸۳)

ویژگی‌های انتفاضه فلسطین

شکل‌گیری انتفاضه در سال ۱۹۸۷ و ادامه آن و به وجود آمدن انتفاضه دوم (الاقصی) که دارای ابعادی وسیع‌تر از انتفاضه اول بوده است، علاوه بر تأثیراتی که بر مسائل منطقه‌ای، جهانی و جهان اسلام داشت، دستاوردهای متعدد و قابل توجهی را نصیب ملت فلسطین کرد که در طول مبارزات شش دهه این ملت بی‌سابقه بود یا کمتر سابقه داشت. این عوامل موجب افزایش قدرت ملت فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی شد، به گونه‌ای که توانست با تکیه بر آن بخشی از حقوق تضییع شده خود را به دست آورد و به طرفی مؤثر در مسائل منطقه‌ای تبدیل شود.

فاروق قدومی، مسئول دفتر سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین، در جریان شرکت در اجلاس غیرمتعهدها در کوالالامپور در اسفند ۸۱، طی مصاحبه‌ای گفت: «دستاورد انتفاضه فلسطین در دو سال گذشته از دستاوردهای ارتش‌های عرب در ۵۰ سال گذشته فراتر رفته است.»

رهبر حزب‌الله لبنان درباره دستاوردهای انتفاضه الاقصی می‌گوید: «کاری که مقاومت فلسطین در عرض سه سال با امکانات مادی و نظامی بسیار کم ولی با امکانات بسیار جالب و چشم‌گیر از لحاظ نیروی انسانی و ایمانی انجام داد، بسیار بزرگ‌تر است از تمام کارهایی که عرب‌ها و مسلمین در مناقشات‌شان با اسرائیل در عرض ۵۰ سال انجام دادند.» (نصرالله، ۱۳۸۲)



اظهاراتی هم‌چون «انتفاضه ما را غافلگیر کرده است»، «آینده اسرائیل به خطر افتاده است» (: ۲۸) «مواجه شدن با بدترین قیام‌ها و شدیدترین موج خشونت علیه اسرائیل از زمان تشکیل اسرائیل» (المشامی، ۱۳۷۲: ۲۱۳) از سوی برخی مسئولان رژیم صهیونیستی نشانه دستاوردهای بزرگ انتفاضه برای ملت فلسطین است که با آنچه در طول مبارزات قبلی کسب شده بود، قابل قیاس نیست. اینک به طور مختصر برخی دستاوردهای انتفاضه برای ملت فلسطین بیان می‌شود:

۱. تقویت مبانی اسلامی بین ملت و گروه‌های فلسطینی

ملت فلسطین با درک بهتر واقعیات نسبت به گذشته دریافت که تفکرات و ایده‌های مارکسیستی، سوسیالیستی، التقاطی، ناسیونالیستی و قوم‌گرایانه و نیز تکیه صرف بر سازمان‌های مبارز یا امید بستن به کشورهای عرب و همسایه و مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل، حقوق از دست رفته آنان را احقاق نخواهد کرد، بلکه روز به روز حقوق بیشتری از دست خواهند داد، اما تکیه بر اصول اسلامی می‌تواند در کنار سایر عوامل فرعی آنان را به هویت اصلی و حقوق از دست رفته‌شان برساند. لذا بخش اعظمی از ملت فلسطین به ویژه جوانان با اعتقاد به این مسئله مرحله جدیدی از مبارزات خود را موسوم به انتفاضه شروع کردند و همین امر موجب شد گروه‌های مختلف از جمله آن دسته از سازمان‌هایی که نام اسلامی داشتند، تحت تأثیر این قیام قرار گیرند و با تکیه هر چه بیشتر به مبانی اسلامی مرحله‌ای جدید از مبارزات سازمان‌یافته را شروع کنند که نمونه بارز آن جهاد اسلامی و حرکت مقاومت اسلامی حماس و گردان‌های الاقصی هستند.

عبدالعزیز رنتیسی، از رهبران حماس، هنگام تبعید به همراه ۴۰۰ فلسطینی دیگر به جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی در دسامبر ۱۹۹۲ در مورد دستاوردهای انتفاضه می‌گوید: «انتفاضه راه صحیح مبارزه را به مردم فلسطین نشان داد و توجه آنان را به سوی اسلام جلب کرد.» (کدیور، ۱۳۷۲: ۲۰۵)

در آستانه امضای پیمان غزه - اریحا، اسحاق رابین در پاسخ به پرسش‌های چند تن از اعضای کمیسیون دفاع اسرائیل تأکید کرد که نفوذ گروه‌های اسلامی در سرزمین‌های اشغالی هر روز گسترش بیشتری می‌یابد و این امر برای اسرائیل خطرناک خواهد بود. وی افزود: «طرفداران فلسطینی [امام] خمینی می‌کوشند تا

جناح‌های معتدل جنبش فتح را از صحنه خارج سازند.» (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)
 در همین زمینه روزنامه امریکایی ساینس مونیاتور پس از امضای پیمان غزه - اریحا نوشت: «اگر به خاطر مسلمانان رادیکال نبود، صلح بین اسرائیل و ساف هرگز به وقوع نمی‌پیوست...»

برخی معتقدند از شگفتی‌های قضیه این است که طرفین معاهده یعنی اسحاق رابین و عرفات هر دو از ترس دشمنی مشترک یعنی اسلام سیاسی رادیکال، مجبور به امضای قرارداد صلح شدند. (همان)

نگاهی به نظرسنجی‌ها و همچنین نتایج انتخابات شهرداری‌های مناطق فلسطینی‌نشین که در ۴ دی ۸۳ (۲۴ دسامبر ۲۰۰۴) برگزار شد و در بسیاری از حوزه‌ها حماس اکثریت آرا را کسب کرد، بیانگر روند رو به افزایش محبوبیت گروه‌های اسلامی به ویژه حماس و جهاد اسلامی و مؤید نظریات یوناخ است. در این نظرسنجی از فلسطینی‌ها، محبوبیت گروه‌های اسلامی ۶/۶۶ برابر محبوبیت گروه‌های ملی بوده است (گروه‌های اسلامی ۶۵/۳ درصد، گروه‌های ملی ۹/۸ درصد و سایر گروه‌ها ۲۴/۸ درصد).

نتایج نظرسنجی میزان حمایت مردمی از گروه‌های فلسطینی در اردیبهشت ۱۳۸۳: حماس ۳۱ درصد، فتح ۲۷/۱ درصد، احزاب مستقل ۴/۲ درصد، جهاد اسلامی ۳ درصد، جبهه خلق ۳ درصد، جبهه دموکراتیک ۱/۳ درصد، حزب الشعب ۰/۵ درصد، حزب فدا ۰/۴ درصد و سایر احزاب ۴/۳ درصد.

درصد تأثیر گروه‌های اسلامی در بیرون راندن صهیونیست‌ها از غزه: مقاومت ۴۸ درصد، حماس ۴۰ درصد و ۲۱ درصد نیز فقط از نقش تشکیلات خودگردان تقدیر کردند.

نتایج انتخابات شوراهای شهرداری‌های فلسطین در مه ۲۰۰۵ (براساس تعداد کرسی‌ها): فتح ۵۵ درصد و حماس ۴۵ درصد.

نتایج انتخابات شوراهای شهرداری‌های فلسطین در مه ۲۰۰۵ (براساس کسب تعداد حوزه‌ها): کل حوزه‌ها ۸۲: حوزه فتح ۳۸ درصد، حماس ۳۵ درصد و سایر گروه‌ها ۳۲ درصد.

نتایج انتخابات شوراهای شهرداری‌های فلسطین در مه ۲۰۰۵ (براساس تعداد و جمعیت حوزه‌ها): حماس ۶۰۰ هزار نفر و فتح ۲۳۰ هزار نفر. (همان)



۲. مشارکت مردمی و همبستگی ملی

یکی از ویژگی‌های مهم انتفاضه مشارکت تمام قشرهای مردم در آن است و نقطه شروع انتفاضه‌های اول و دوم با قیام مردم، اعم از زن و مرد، پیر و جوان با دستان خالی در مقابل ارتش مسلح بوده است.

انتفاضه اول در اعتراض مردمی و یکپارچه تمام قشرها به کشتار چند کارگر فلسطینی به دست صهیونیست‌ها و انتفاضه دوم با ورود شارون به صحن مسجد الاقصی شروع شد.

تفاوت اساسی انتفاضه فلسطین با مقاطع قبلی مبارزات فلسطینی‌ها در برابر اشغالگران آن است که نخست، مبارزات از حالت فردی و انحصار گروه‌ها که عمدتاً از خارج سرزمین‌های اشغالی بودند، بیرون آمد و مردم به صورت فراگیر و انبوه در آن شرکت کردند. دوم، از این مقطع به بعد مردم بیشتر گروه‌ها را تحت تأثیر قرار دادند تا خود را با خواسته‌های مردم هماهنگ سازند. از آنجا که بعد مردمی مبارزات ملت فلسطین افزایش یافت و منحصر به گروه‌ها (آن هم با گرایش‌های قومی، ناسیونالیستی، مارکسیستی و...) نشد، کار صهیونیست‌ها برای مقابله با آن دشوار شد و به اعتراف مقامات و مسئولان حکومتی، نظامی و امنیتی صهیونیستی، این رژیم با بحران بزرگ در داخل مواجه شد.

مبارزه با سازمان‌ها و گروه‌های مخالف برای هر دولتی بسیار آسان و دست‌یافتنی‌تر است، اما هنگامی که با جمعیتی در تقابل است که فراگیر و در همه جا پراکنده و منتشرند، هر فرد یک مبارز و تهدید محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین و بارزترین جنبه‌های مردمی بودن انتفاضه، مشارکت کودکان و نوجوانان در اعتراضات و تظاهرات ضد رژیم صهیونیستی بوده است. در حالی که این رژیم همیشه تلاش کرده نسل جدید فلسطینی که شاهد دوران اولیه اشغالگری صهیونیست‌ها نبوده‌اند، این مسئله را به فراموشی بسپارند و در جریان دولت صهیونیستی حل شوند. اما صهیونیست‌ها در تحقق این هدف در نتیجه شروع انتفاضه با ناکامی روبه‌رو شدند. بن‌گوریون، اولین رئیس رژیم صهیونیستی، می‌گوید: «اعراب فقط یک چیز را مشاهده می‌کنند، ما به اینجا آمده‌ایم و سرزمین‌هایشان را اشغال کرده‌ایم. نسل‌های جدید اعراب احتمالاً این را فراموش خواهند کرد، ولی

در شرایط فعلی هیچ امیدی وجود ندارد.» (هیلر، ۱۳۸۱: ۱۷)

موشه کاتساو، رئیس رژیم صهیونیستی، در کنفرانس صهیونیست‌ها در قدس اشغالی در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ ضمن سخنرانی خود می‌گوید: «من به رئیس حکومت خودگردان فلسطین (عرفات) می‌گویم: اگر اطفال فلسطینی را دوست می‌داری، به آنها بیاموز که یهود را اکراه نداشته باشند و دوست بدارند.» (مرکز باحث للدراسات، ۲۰۰۲: ۱۹۸)

از جنبه‌های مهم دیگر بعد مردمی بودن انتفاضه کشیدن شدن دامنه قیام‌ها و اعتراض‌ها به مناطق اشغالی ۱۹۴۸ است که تا آن زمان اقدام خاصی علیه اشغالگران انجام نداده بودند و دولت صهیونیستی تصور نمی‌کرد که ساکنان این بخش که هویت اسرائیلی - عربی به خود گرفته‌اند، به جریان انتفاضه بپیوندند. فلسطینیان ساکن مناطق ناصره، ام‌الفحم، حیفا و یافا برای اولین بار طی ۵۰ سال گذشته در کنار هم‌وطنان خود ایستادند. حتی برخی جوانان این بخش‌های اشغالی عامل عملیات‌های شهادت‌طلبانه بزرگی شدند.

نگاهی گذرا به نمودار عملیات‌های انجام‌شده (به ویژه عملیات‌های استشهادی) و عواملان عملیات‌ها به تفکیک سن، جنسیت، تحصیلات و پراکندگی در مناطق غزه، کرانه باختری و مناطق اشغالی ۱۹۴۸ مؤید مطالب فوق است:

- تعداد تلفات (کشته‌ها و مجروحین) صهیونیست‌ها به دست گروه‌های فلسطینی

طی سال‌های اول و دوم انتفاضه الاقصی (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۲)

کل تلفات: کشته‌ها ۶۴۴ نفر و زخمی‌ها ۴۱۳۷ نفر؛

گردان‌های عزالدین قسام (حماس): ۳۰۸-۱۸۷۷ (۴۷/۸۰ درصد - ۴۵/۴۰ درصد)؛

گردان‌های شهدای الاقصی (فتح): ۱۱۰-۸۵۲ (۱۷/۱۰ درصد - ۲۰/۶۰ درصد)؛

گردان‌های قدس (جهاد اسلامی): ۴۷-۴۸۷ (۷/۳۰ درصد - ۱۱/۸۰ درصد)؛

مقاومت‌های مردمی فلسطینی‌ها (گروه عملیات‌کننده مشخص نبوده) بدون اعلام

رسمی مسئولیت: ۹۱-۴۹۷ (۱۴/۱۰ درصد - ۱۲ درصد)؛

گردان‌های ابوعلی مصطفی (جبهه شعبیه) ۱۳-۱۶۲ (۳/۹۰ درصد - ۲ درصد)؛

گردان‌های ق. م شهدای اقصی گروهان‌های قدس، جهاد اسلامی و امن الوطنی:

۳۲-۱۱۴ (۲۰/۱۴ درصد - ۳۶/۲۹ درصد)؛

عملیات مشترک بین حماس، جهاد، فتح، شعبیه و ال‌دیمقراطیه: ۷-۶۸ (۱/۶)



درصد-۱/۱ درصد)؛

عملیات‌های فردی و ویژه: ۲۴-۴۹ (۱/۲۰ درصد-۳/۷۰ درصد)؛
تیپ‌های صلاح‌الدین (کمیته مقاومت مردمی): ۹-۱۱ (۰/۳۰ درصد-۱/۴۰ درصد)؛
گردان‌های مقاومت مردمی (جبهه دموکراتیک): ۳-۲۰ (۵/۵ درصد-۵/۵ درصد)؛

- مشارکت مردمی فلسطینی‌ها در انتفاضه (سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲) بر اساس سن
عاملان عملیات

کل شهدا: ۲۰۱۰ نفر

شهدای زیر ۱۲ سال: ۴۴۲ نفر (۲۱ درصد)؛

شهدای ۱۳ تا ۲۰ سال: ۲۵۹ نفر (۱۲ درصد)؛

شهدای ۲۱ تا ۳۰ سال: ۷۳۲ نفر (۳۶ درصد)؛

شهدای ۳۱ تا ۴۵ سال: ۲۵۹ نفر (۱۲ درصد)؛

شهدای بالای ۴۵ سال: ۱۲۲ نفر (۶ درصد)؛

شهدای هویت نامعلوم: ۲۰۵ نفر (۱۰ درصد)

- مشارکت مردمی فلسطینی‌ها در انتفاضه (از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۱۸ سپتامبر
۲۰۰۲) بر اساس پراکندگی و تفکیک مناطق

تعداد کل عملیات: ۱۴۴۶۳ فقره

در غزه: ۶۶۹۸ فقره

در کرانه باختری: ۶۱۸ فقره

در مناطق ۴۸: ۷۱۴۷ فقره

- مشارکت مردمی فلسطینی‌ها در انتفاضه (سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲) بر اساس میزان

تحصیلات عاملان عملیات‌ها

تعداد کل عاملان: ۱۵۳ نفر

دارای مدرک عالی: ۵۳ نفر (۳۵ درصد)

دبیرستانی: ۵۸ نفر (۳۸ درصد)

بی‌سواد: ۴۲ نفر (۲۷ درصد)

– مشارکت مردمی فلسطینی‌ها در انتفاضه (سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲) بر اساس تأهل و تجرد عاملان عملیات‌ها

تعداد کل عاملان: ۱۵۳ نفر

مجردین: ۱۳۴ نفر (۸۸ درصد)

متأهلین: ۱۹ نفر (۱۲ درصد) (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)

۳. افزایش هماهنگی و اتحاد مبارزاتی گروه‌ها

گروه‌های فلسطینی که قبل از انتفاضه به صورت مستقل عمل و عملیات‌هایی را بدون هماهنگی هم اجرا می‌کردند، در انتفاضه اقصی اتحاد و وحدت بیشتری یافتند و در موارد بسیاری عملیات‌های مشترک انجام دادند و اعلامیه‌های مشترک صادر کردند.

گروه‌های جهادی فلسطینی در عملیات‌ها و در مذاکرات خود که با پادرمیانی برخی کشورهای عربی صورت می‌گرفت، بیش از پیش مواضع خود را هماهنگ و به هم نزدیک کردند. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی در مرحله‌ای که در مقابله با انتفاضه موفقیت چندانی به دست نیاورده و مجبور به مذاکره با ساف و عرفات شده بود، سعی کرد تا با وارد شدن جدی‌تر در مذاکرات صلح و سازش با فلسطینی‌ها بین گروه‌های جهادی با دولت خودگردان و عرفات اختلاف بیندازد و مجدداً درگیری‌های داخلی بین فلسطینی‌ها را شدت بخشد، اما فلسطینی‌ها با درک این مطلب در طول انتفاضه تا حدود بسیاری از این مسئله و بروز جنگ داخلی جلوگیری کردند.

۴. اثبات برتری مبارزه و مقاومت بر مذاکرات بدون پشتوانه صلح

رژیم صهیونیستی پس از ناامیدی از سرکوب انتفاضه تنها راه ممکن در این مقطع را روی آوردن به مذاکرات سازش با عرفات و ساف می‌دانست تا هم انتفاضه خاموش و هم اختلاف درونی گروه‌های فلسطینی را تشدید کند. اما ادامه انتفاضه هم تأییدی بر بی‌نتیجه بودن مذاکرات اعراب و اسرائیل درباره مسئله فلسطین بود و هم تأییدی بر عدم تأمین حقوق از دست‌رفته فلسطینی‌ها از راه مذاکرات صرف و بدون پشتوانه، زیرا رژیم صهیونیستی در پرتو انتفاضه مجبور شد در خلال مذاکرات



امتیازاتی به فلسطینی‌ها بدهد که قبلاً حاضر به دادن آنها نبود.

یکی از شخصیت‌های فلسطینی می‌گوید: «همه آنهایی که در خارج بودند دفن و نابودی مسئله فلسطین را انتظار می‌کشیدند و مسئله فلسطین به جنگ اردوگاه‌های فلسطینی و مسائل داخلی فلسطینی‌ها تبدیل شده بود. در کنفرانس سران عرب در امان در ۱۹۸۷ همه اعراب، مسئله فلسطین را به فراموشی سپردند و خطر ایران و مسئله اصول‌گرایی اسلامی را به عنوان خطر اول معرفی کردند، اما انتفاضه قضیه فلسطین را مجدداً در سطح بالایی مطرح کرد.» (هیلر، ۱۳۸۱: ۴۹)

یکی دیگر از شخصیت‌های عربی می‌گوید: «ادامه انتفاضه دست ردی به گفت‌وگوهای سازش گذشته از مادرید تا اسلو و طابا و کمپ دیوید بود که هیچ‌کدام دستاوردی جز شکست، یأس و ادامه محاصره برای ملت فلسطین نداشت.» (ابوناصر، ۲۰۰۲)

به طور خلاصه، انتفاضه مذاکرات صلح و سازش را که نتیجه خاصی جز اعمال فشار بیشتر به فلسطینی‌ها نداشت و با هدف سرکوب انتفاضه و ایجاد انشقاق در گروه‌های فلسطینی و مردم (به ویژه دولت خودگردان با گروه‌های اسلامی) طراحی شده بود، از کنترل مطلق و اعمال تام نظریات صهیونیست‌ها خارج و به اهرمی برای پشتوانه مذاکرات صلح فلسطینی‌ها و گرفتن امتیازات هرچه بیشتر از صهیونیست‌ها تبدیل کرد.

۵. قبول موجودیت فلسطینی‌ها و خارج شدن آنان به عنوان طرفی همیشه مغلوب

قبول طرف فلسطینی از سوی رژیم صهیونیستی برای مذاکره و در ادامه، تبدیل اصل «مذاکره مشروط به توقف انتفاضه» به اصل «توقف انتفاضه منوط به ازسرگیری مذاکرات» از سوی رژیم صهیونیستی به معنی قبول هویت و موجودیت فلسطینی‌هاست. پیش از انتفاضه صهیونیست‌ها هیچ‌گونه هویت و موجودیتی برای فلسطینی‌ها قائل نبودند و سرزمین فلسطین را سرزمینی بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین (یهود) می‌پنداشتند. رژیم صهیونیستی با ادامه انتفاضه از این شعار خود تا اندازه‌ای عقب‌نشینی کرد و سران این رژیم اظهار داشتند که برای توقف انتفاضه باید به مذاکرات با فلسطینی‌ها ادامه دهیم. این عقب‌نشینی آشکاری برای صهیونیست‌ها و اسرائیل در مقابل مقاومت فلسطینی‌ها و انتفاضه بود.

تا قبل از انتفاضه مسئله فلسطینی‌ها فقط خارج از سرزمین‌های اشغالی مطرح بود، اما با شروع انتفاضه این مسئله به داخل اراضی اشغالی منتقل شد و مجدداً به فلسطینیان داخل اعتبار بخشید. پس از حدود نیم قرن موضع تهاجمی اسرائیل به موضع تدافعی تبدیل شد و امنیت داخلی اسرائیل به شدت به خطر افتاد. همین امر، ضرورت طرح حل مسئله فلسطین را برای اسرائیلی‌ها مطرح ساخت.

شیمون پرز، وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی، در جریان انتفاضه گفت: «بدون تشکیل دولت فلسطین، صلح در منطقه میسر نخواهد شد. اسرائیل منطق تشکیل دولتی فلسطینی را پذیرفته است و تمام اسرائیلی‌ها حتی احزاب افراطی نیز این نکته را پذیرفته‌اند که بدون تشکیل دولت فلسطینی برقراری صلح امکان‌پذیر نخواهد بود.» وی افزود: «زمان حل مسئله فلسطین فرا رسیده است و حل مسئله قبرس می‌تواند نمونه‌ای برای این موضوع باشد.» (جمهوری اسلامی، ۲۶ بهمن ۸۲)

کابینه رژیم صهیونیستی در پی تشدید مبارزات ضد اسرائیلی مردم فلسطین مجبور شد در ژوئن ۲۰۰۴ طرح عقب‌نشینی از نوار غزه در مارس ۲۰۰۵ را با ۱۴ رأی موافق در مقابل ۷ رأی مخالف تصویب کند.

شارون در ۱۵ خرداد ۸۳ در هشدار به وزیران کابینه‌اش که مخالف عقب‌نشینی از نوار غزه بودند، گفت: «در صورتی که این طرح در کابینه تصویب نشود، اسرائیل با بحران سیاسی روبه‌رو خواهد شد و اوضاع سیاسی به انفجار می‌کشد.» (کیهان ۱۱ خرداد ۸۳)

۶. بالندگی و رشد خوداتکایی و خودکفایی مبارزات

انتفاضه که در پی ناامیدی مردم فلسطین از کمک‌ها و حمایت‌های کشورهای به ویژه کشورهای عربی شکل گرفت، توانست رخوت و جمود در مبارزه علیه اسرائیل را که در پی مذاکرات کمپ دیوید به وجود آمده بود، بزدايد و اعتماد به نفس را به مردم فلسطین برگرداند و آنان را به این باور برساند که هر اقدام‌شان باید متکی به داخل فلسطین باشد.

انتفاضه اول به علت به کارگیری سنگ به عنوان تنها سلاح موجود برای مقابله با صهیونیست‌ها به «ثورة الحجارة» موسوم شد، اما در ادامه گروه‌های اسلامی که احساس کردند در محاصره کامل قرار دارند، به فکر به کارگیری سلاح و تولید



سلاح‌های هر چند ابتدایی با امکانات بسیار محدود داخلی افتادند و راه خودکفایی در امر تسلیحات را پیش گرفتند. از دستاوردهای مهم این حرکت، تولید برخی اقسام موشک از جمله موشک‌های «قسام» بود که با تولید و به کارگیری آن، امنیت داخلی اسرائیل شکننده‌تر شد، به گونه‌ای که پس از ناکامی در جلوگیری از شلیک و کشف مراکز تولید این موشک‌ها اعلام کردند: «فرماندهان ارتش اسرائیل پس از گذشت سه سال تلاش برای از بین بردن موشک‌های قسام می‌گویند کاری از دست‌شان ساخته نیست... اگر چه خسارات این موشک‌ها چندان قابل توجه نیست، تبعات سیاسی فراوانی برای اسرائیل دارد.» (کیهان ۱۴ مرداد ۸۳)

۷. افزایش روحیه مقاومت، فداکاری، جهاد و شهادت

ملت فلسطین با اعتقاد بیشتر به این باور که تنها راه رسیدن به پیروزی ادامه مسیر انتفاضه است، به رغم محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و فشارهای مختلف، شهدا و مجروحین زیادی را تقدیم و خسارت‌های بسیاری را متحمل شد که قابل توجه است. آمار بالای شهدا و مجروحان فلسطینی پس از انتفاضه‌های اول و دوم علیه صهیونیست‌ها بیانگر رشد و تقویت روحیه از خود گذشتگی، فداکاری، شهادت و مقاومت در برابر اشغالگران است. نگاهی به تعداد شهدا و مجروحان به ویژه عملیات‌های استشهادی در طول انتفاضه و مقایسه آن با آمار قبل از انتفاضه بیانگر این مسئله است. هم‌چنین نگاهی به خسارات مادی به منازل، تخریب و انهدام و مصادره اراضی فلسطینی‌ها در طول انتفاضه مؤید بالا رفتن سطح تحمل، استقامت و پایداری مردم فلسطین به راهی است که انتخاب کردند.

به طور کلی میانگین شهدای فلسطین در انتفاضه اول (۱۹۸۷)، تعداد ۲۵ نفر در هر ماه بود، اما در ماه اول انتفاضه دوم (الاقصی ۲۰۰۰) این تعداد به دوپست نفر رسید و میانگین شهدا از سپتامبر ۲۰۰۰ تا ژوئیه ۲۰۰۴ در هر ماه ۷۵/۶ نفر بوده است. تعداد شهدای فلسطینی از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ معادل ۳۸۷۱ نفر بوده که از این تعداد ۷۶۰ نفر کودک، ۲۶۶ نفر زن، ۳۴۴ نفر از نیروهای امنیتی فلسطینی و ۲۵۰۱ نفر نیز سایر شهدا بوده‌اند.

تعداد شهدا در عملیات شهادت طلبانه از ۱۹ نفر در سال ۲۰۰۱ به ۴۷ نفر در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت. تعداد شهدای گروه‌های مبارز فلسطینی به ترتیب در

سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به این شرح است: شهدای الاقصی ۱۵-۱ نفر، حماس ۱۰-۷ نفر، جهاد اسلامی ۱۲-۲، گروه‌های نامشخص ۹-۳ نفر، جبهه شعبیه ۱-۱ نفر، فتح ۱-۰ نفر. (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)

پیامدهای انتفاضه بر رژیم صهیونیستی



با توجه به اهداف و سیاست‌های رژیم صهیونیستی که در مقدمه به آن اشاره شد، پیامدهای منفی انتفاضه بر این رژیم عبارت‌اند از:

۱. تغییر در راهبردها و سیاست‌های کلان رژیم صهیونیستی و بطلان اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل

منابع امنیتی رژیم صهیونیستی معتقدند: «بهایی که اسرائیل در جریان انتفاضه داد، بیش از خسارات این رژیم در جریان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بوده است.» شارون نیز برای نخستین بار به شکست خود در برابر شرایط خاص موجود (انتفاضه) اعتراف کرد و دستور داد ۱۷ شهرک صهیونیستی از نوار غزه تخلیه شوند. وی طی مصاحبه‌ای گفت: «تخلیه شهرک‌ها در نوار غزه برای بقای اسرائیل حیاتی است و در شرایط حاضر ما مجبور به این انتخاب هستیم و باید آن موردی را که کمترین ضرر را دارد، انتخاب کنیم.» (کیهان، ۱۵ بهمن ۸۲)

شارون به رغم مخالفت ۶۲ درصدی اعضای حزب لیکود به طرح عقب‌نشینی اسرائیل از غزه که بنا به گفته رادیو اسرائیل، در یک نظرسنجی به دست آمد، گفت: «اجرای این طرح برای نجات اسرائیل از فروپاشی الزامی است.» (کیهان، ۱۴ اردیبهشت ۸۳)

نگاهی به اظهارنظرهای مقامات این رژیم در گذشته و حال اهمیت پیامد انتفاضه مردم فلسطین را بیشتر مشخص می‌کند.

«اسرائیل نمی‌تواند حتی از یک متر از اراضی فلسطینی چشم‌پوشی کند.»
«در کشور ما جا برای کسی جز یهودیان نیست. ما به اعراب خواهیم گفت: بیرون! اگر موافق نباشند، اگر مقاومت کنند، ما آنها را با زور بیرون خواهیم کرد.» (المیسری، ۱۳۷۴: ۳۹)

۲. ایجاد بحران در امنیت داخلی

سران صهیونیست و مسئولان این رژیم که از ابتدای تشکیل دولت در سرزمین‌های اشغالی تاکنون با تکیه بر قوای نظامی و نیروهای امنیتی و حمایت قدرت‌های خارجی، امنیتی نسبتاً کامل در ابعاد داخلی احساس می‌کردند و تنها نگرانی خود را تهدیدهای کشورهای عرب همسایه می‌دانستند، با شروع انتفاضه و اوج‌گیری آن و ناکامی در سرکوب و خاموش کردن آن احساس ترس کردند. در واقع، موجی

از نگرانی جامعه اسرائیلی را به ویژه در ابعاد امنیت جانی و مهم‌تر از همه نگرانی از آینده و موجودیت این رژیم فراگرفت. یکی از مقامات بلندپایه نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی پس از برشمردن تهدیدهای این رژیم در محیط امنیتی سال ۲۰۰۰ و خاورمیانه جدید و ارائه راهکارهای جدید برای برتری اسرائیل ضمن تأکید بر تهدید جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین تهدید می‌گوید: «من یک فرضیه اساسی دارم تا هم‌چنان به عنوان کشوری پیشرفته و متمدن با توان نظامی و اقتصادی بیشتری نسبت به همسایگان در قرن بیست و یکم به حیات خود ادامه دهیم، ولی این مصونیت را نباید امری تضمین‌شده تلقی کرد، زیرا متغیری است که هیچ‌کس با رشد اقتصادی یا از طریق قدرت نظامی نمی‌تواند تداوم آن را تضمین کند. این متغیر همان مصونیت داخلی یعنی توان روانی اسرائیل برای رویارویی با دشواری‌هایی است که در صورت اتفاق، ممکن است یکپارچگی و همبستگی داخلی جامعه اسرائیل را به خطر اندازد.» (سنیه، ۱۳۸۱: ۱۶۵)

براساس نظرسنجی مه ۲۰۰۴، بر اثر انتفاضه و موج ناامنی‌های به وجودآمده در سرزمین‌های اشغالی، میزان دل‌بستگی جوانان یهودی برای ماندن در سرزمین‌های اشغالی ۴۸ درصد، میزان جوانان خواهان ترک اسرائیل ۲۷ درصد و میزان دل‌بستگی به ماندن در اسرائیل ۲۵ درصد بوده است.

۳. ایجاد بحران در انگاره‌سازی صهیونیست‌ها در اشغال سرزمین فلسطین

انگاره‌سازی درباره اشغال فلسطین و تجاوز به مردم آن سرزمین یکی از راهبردهای اصلی صهیونیسم بوده است. این انگاره‌سازی که از طریق رسانه‌ها عملی می‌شود، با آغاز انتفاضه فلسطین دچار بحران شده و سیاست‌گذاران غرب و راهبرد صهیونیسم را با بن‌بست مواجه کرده است. تناقضات حاصل از این انگاره‌سازی هم‌زمان با توسعه اطلاع‌رسانی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، رهبران و زمامداران سازش با اسرائیل را در بحران مشروعیت سیاسی عمیقی فرو برد.

ایجاد بحران در انگاره‌سازی صهیونیست‌ها بر اثر انتفاضه در حالی بود که قبل از آن رژیم صهیونیستی به همراه رسانه‌های غربی از اوایل دهه ۱۹۴۰ و مقارن پایان جنگ جهانی دوم، چندین مرحله انگاره‌سازی را پشت سر گذاشته بود.



مرحله اول: با پیروزی صهیونیست‌ها در مه ۱۹۴۸ و تأسیس رژیم و نظام اسرائیل نه تنها اسم «فلسطین» از نقشه جغرافیایی غرب پاک و به جای آن نام «اسرائیل» نگاشته شد، بلکه در پوششی که رسانه‌های غرب به «مسئله فلسطین» دادند، به تدریج نام فلسطین به عنوان سرزمینی مستقل و تاریخی که فرهنگ‌ها و ملیت‌ها و نظام‌های مختلفی را در طول چندین هزار سال تاریخ دربرداشت، از صفحات و محتویات رسانه‌ها و گفتمان نخبگان غرب ناپدید شد.

مرحله دوم: به موازات اشغال و تقسیم فلسطین و تجزیه آن، این نام با جریان قیمومیت و امپراتوری انگلیس آمیخته شد و با شناسایی و ورود رسمی اسرائیل به سیستم سازمان ملل متحد به عنوان یک «ملت- دولت» ملیت فلسطینی‌ها نیز به فراموشی سپرده شد و به تدریج در رسانه‌های غرب، به واژه «مردم» و «آوارگان و پناهندگان» فلسطینی تغییر یافت. از اواخر دهه ۱۹۴۰ در رسانه‌های غرب نه تنها سرزمین مستقل و کشوری با مرزهای جغرافیایی و سیاسی معین به نام فلسطین وجود نداشت، بلکه مفهوم ملیت فلسطین نیز به کلی در غرب از زبان‌ها افتاد.

مرحله سوم: در این مرحله در انگاره‌سازی رسانه‌های غرب، نادیده گرفتن، حذف و ناپدید شدن تدریجی هویت اسلامی فلسطین و فلسطینی‌ها مد نظر بود. به این ترتیب، هویت تمام فلسطین در هر سه بعد جغرافیایی، ملی و اسلامی آن مخدوش و نادیده گرفته شد و پوشش و تأکید رسانه‌های غرب متوجه «اسرائیل» به عنوان یک پدیده جغرافیایی، یک سرزمین برای قوم و ملیت یهود، و یک نظام سیاسی- دینی یهودیت بود که در بستر ملی‌گرایی صهیونیستی رشد و نمود کرده بود. در طول دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ صهیونیسم و جنبش صهیونیستی از موضوعات مهم رسانه‌های غربی به شمار می‌آمدند.

مرحله چهارم: انگاره‌سازی رسانه‌های غرب در این دوره، عدم توجه آنها به تجاوزگری صهیونیست‌ها، حذف تدریجی واژه صهیونیسم از گفتمان و سخن‌پراکنی‌های خود، استعمال مفهوم «ملت‌سازی» و «وطن‌سازی» برای قوم یهود و «بازگشت یهودیان به سرزمین تاریخی» بود.

مرحله پنجم: در این مرحله انگاره‌سازی با حذف جامعه مسیحیت از فلسطین و الحاق آن به فرهنگ یهودیت و صهیونیستی شروع شد.

۴. انتفاضه و ایجاد شکاف در انگاره‌سازی صهیونیست‌ها

با آغاز انتفاضه فلسطین و وارد شدن پیامدهای منفی و ناگوار سیاسی، اقتصادی و نظامی، حملات تبلیغاتی صهیونیسم و انگاره‌سازی‌های رسانه‌های غرب متوجه ابعاد اسلامی جامعه فلسطین شد و اسطوره‌های پیشین که بر اصطلاحات «عرب» و «اعراب» تکیه می‌کرد، کنار رفت و عنوان «اصول‌گرایان اسلامی»، «تروریست‌های اسلامی» و «حزب‌اللهی» همه جانشین آنها شد. هم‌چنین این رژیم به مذاکرات صلح روی آورد و رسماً برخی مقامات فلسطینی را به عنوان طرف مذاکرات پذیرفت. (انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷)

۵. نمایان تر شدن چهره و ماهیت واقعی رژیم صهیونیستی در افکار عمومی

در دهه‌های اخیر با اهمیت یافتن بیشتر تبلیغات رسانه‌ای، رفتارهای خشن اسرائیلی‌ها علیه فلسطینی‌ها که چندان برای افکار عمومی جهانیان به نمایش گذاشته نمی‌شد، در جریان انتفاضه به ویژه هنگامی که برخی محافل و کشورهای استعماری سعی داشتند مبارزه مردم فلسطین را از مصادیق تروریسم قلمداد کنند، تا حدودی چهره واقعی اسرائیل را برای جهانیان روشن کرد. شبکه‌های تصویری ماهواره‌ای با مخابره صحنه‌هایی از کشتار فلسطینی‌ها و تخریب منازل و مصادره مزارع آنها زمینه محکومیت و نفرت صهیونیست‌ها را نزد ملت‌ها و افکار عمومی بیش از پیش فراهم کردند. هم‌چنین رژیم صهیونیستی در پی ناکامی در مقابله با انتفاضه مجبور شد برای جلوگیری از نفوذ عاملان شهادت‌طلب به مناطق اشغالی ۴۸ و جداسازی مناطق فلسطینی و مصادره بیشتر اراضی فلسطینی‌ها اقدام به احداث دیوار حائل کند. اما همین اقدام موجبات محکومیت بیشتر اسرائیل را نزد افکار عمومی و مجامع بین‌المللی فراهم کرد. دیوان لاهه در نیمه ژوئیه ۲۰۰۴ حکم به تخریب دیوار حائل داد و مجمع عمومی سازمان ملل نیز در پی آن طی قطعنامه‌ای در ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴ با اکثریت آرا آن را غیرقانونی خواند و خواستار انهدام دیوار و پرداخت غرامت به خانواده‌های فلسطینی خسارت‌دیده شد. اعضای اتحادیه اروپا و جنبش عدم تعهد به این قطعنامه رأی مثبت دادند.

کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل، پس از تصویب این قطعنامه گفت: «اسرائیل باید به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه مبنی بر برچیدن آن بخش دیوار حائل



که در کرانه باختری احداث شده است، توجه کند.»
موشه کاتساو، رئیس وقت رژیم صهیونیستی، در جمع خبرنگاران خارجی به مناسبت افتتاح موزه جدید اسرائیل اعتراف کرد: «ما امروز با موجی از یهودی‌ستیزی مواجه هستیم که از زمان جنگ جهانی دوم هرگز سابقه ندارد.» (کیهان، ۲۶ اسفند ۸۶)

۶. استیصال و ناتوانی ارتش در سرکوبی انتفاضه

جامعه اسرائیل بنابه ضرورت‌ها و دلایل مختلف به «جامعه مسلح» مشهور است. سرزمین آن فاقد عمق راهبردی است و دارای دشمنان و تهدیدهای منطقه‌ای است. به گفته موشه دایان، این ضرورت‌ها اسرائیل را به اتخاذ سیاستی دفاعی به جای سیاست خارجی مجبور کرده است که خود موجبات تأثیرگذاری و نفوذ ژنرال‌های ارتش را در سیاست فراهم آورده است. (گزارش‌ها، ۱۳۷۸: ۲۳۴؛ رباعه، ۱۳۶۸: ۵۷؛ انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۸۱: ۴۷۹)

در عین حال، چنین رژیم و جامعه‌ای در برابر انتفاضه و عملیات‌های شهادت‌طلبانه دچار استیصال و درماندگی شده است.

سرتیپ میئر داگان، معاون ستاد کل ارتش اسرائیل در امور انتفاضه، علت تشکیل این معاونت در ارتش را چنین بیان می‌کند: «انتفاضه ادامه پیدا می‌کند اما تاکتیک‌ها و اسلوب‌های آن متحول می‌شود. انتفاضه جداً ما را غافلگیر کرد. البته قابل پیش‌بینی بود که شخصیت‌های فلسطینی داخل مناطق حرکتی را آغاز کنند که دارای بعدی مردمی باشد و در راستای فعالیت‌های خود خشونت‌هایی نیز مرتکب شوند. هم‌چنین قابل پیش‌بینی بود که این حرکت تا مدت‌ها به فعالیت خود ادامه دهد، اما مطلب غافلگیرکننده در این ارتباط قدرت و برد این فعالیت‌هاست. تنها ما نبودیم که غافلگیر شدیم، بلکه خود فلسطینی‌ها (جناح سازش‌طلب) نیز غافلگیر شدند.» وی بر خورد با انتفاضه را برای ارتش اسرائیل مسئله‌ای محوری دانست. (گزارش وزارت امور خارجه سفارت ایران، ۱۳۷۱)

۷. ایجاد بحران اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی و شاخصه‌های آن از جمله عوامل قدرت یک کشور است که خود تأثیرپذیری مستقیم از امنیت دارد. هر چه امنیت در یک کشور بیشتر و پایدارتر باشد، چرخه اقتصاد، تولید کار و رشد اقتصادی داخلی و سرمایه‌گذاری و

مبادلات اقتصادی بیشتر خواهد بود. هرچه اقتصاد پررونق‌تر باشد، امنیت بیشتر است. اولویت کشوری هم‌چون رژیم صهیونیستی که در سرزمینی غصبی شکل گرفته، امنیت است.

رژیم صهیونیستی که قبل از شروع انتفاضه، مبارزات ملت فلسطین را در داخل سرزمین‌های اشغالی کنترل‌شده می‌پنداشت و از جنبه‌های امنیت داخلی نگرانی جدی نداشت و بیشترین تهدیدها را خارجی می‌دانست، با شروع انتفاضه با بحران امنیت داخلی مواجه و همین امر موجب رکود و وارد آمدن خسارت‌هایی عمده و قابل توجه به بخش‌های اقتصادی آن شد.

سلفان شالوم، وزیر دارایی رژیم صهیونیستی، در سپتامبر ۲۰۰۲ اعلام کرد: «اسرائیل در نتیجه جنگ با فلسطینیان هزینه‌های زیادی را متحمل شده است. ادامه انتفاضه الاقصی که در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ شروع شد، به شدت بر اقتصاد دولت عبری تأثیر منفی گذاشته است و سرمایه‌گذاران خارجی طی ۹ ماه گذشته ۷/۷ میلیارد دلار در بازار سهام اسرائیل متضرر شده‌اند.» (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)

وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی، شائول موفاز، در سفر به آمریکا در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ (۸۱/۹/۲۹) گفت: «از آمریکا می‌خواهیم برای جبران خسارت وارده به اسرائیل در خصوص برخورد با فلسطینی‌ها که به میلیاردها دلار می‌رسد، ما را یاری کند.» (همان)

روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحرونوت درباره پیامدهای انتفاضه بر صادرات و واردات آن رژیم نوشت: «در سال ۲۰۰۱ صادرات اسرائیل به کشورهای عربی ۸۶ میلیون دلار و واردات ۵۲/۱ میلیون دلار بوده که در نتیجه ادامه انتفاضه این ارقام به ترتیب در ۹ ماهه اول ۲۰۰۲ به ۷۷/۴ و ۴۸/۲ تغییر یافته است. (بر اساس آمار ارائه‌شده از منابع غیرصهیونیستی، این آمار در سال ۲۰۰۱ به ترتیب ۸۶ و ۴۸/۲ بوده که در ۹ ماهه اول ۲۰۰۲ به ۶۱ و ۴۴/۳ میلیون دلار کاهش یافته است.)

بانک مرکزی و بخش اقتصادی اتحادیه صنعتگران اسرائیل (شوکی اروبش) خسارات ناشی از انتفاضه را در خلال سال اول انتفاضه (سال ۲۰۰۲) این‌گونه اعلام کرده است:

- کاهش تولیدات ۴۱ درصد کارخانجات؛
- کاهش فعالیت ۳۵ درصد کارخانجات؛
- بسته شدن ۳۰۰ کارخانه کوچک و متوسط؛



- تعطیلی کار ۳۰۰ کارخانه (موقت)؛

- کاهش میزان رشد از ۶ درصد قبل از انتفاضه به ۱/۵ درصد بعد از انتفاضه (در سال ۲۰۰۱)؛

- افزایش میزان بیکاری از ۸/۸ درصد به ۱۱ درصد (در سال ۲۰۰۱)؛

- افزایش تورم از صفر به ۵/۳ درصد؛

- افزایش کسری بودجه از ۰/۶ درصد به ۲ درصد.

منابع دیگر، کسری بودجه اسرائیل را طی سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ این‌گونه اعلام کرده‌اند:

- در سال ۲۰۰۰ حدود ۱/۸ میلیارد دلار؛

- در سال ۲۰۰۱ حدود ۳/۸ میلیارد دلار؛

- در سال ۲۰۰۲ حدود ۷ میلیارد دلار؛

- افزایش خط فقر ۱۲/۵ درصد (از هر ۸ نفر یک نفر زیر خط فقر)؛

- کاهش تولیدات تکنولوژیک ۱۳/۵ درصد؛

- کاهش وسایل حمل و نقل ۳۸ درصد؛

- درآمد دستگاه‌های مخابراتی ۱۱ درصد؛

- قطعات کامپیوتر و غیره ۱۴ درصد؛

- رکود در مواد غذایی (البسه، پوست، ورق و چوب). (میزگرد شبکه تلویزیونی الجزیره قطر، ۱۳۸۱)

راديو رژيم صهيونيستي به نقل از اداره مرکزی آمار این رژیم اعلام کرد: «سال

۲۰۰۲ از نظر اقتصادی در نیم قرن گذشته بدترین سال برای اسرائیل بوده

است.» (راديو اسرائیل، اول ژوئن ۲۰۰۳)

۸. تحمیل طرح‌ها و بودجه‌های کلان به ویژه در بخش نظامی

انتفاضه، دولت اسرائیل را ناچار به طراحی برنامه‌های متعدد نظامی، امنیتی و ... برای

مقابله با انتفاضه، از جمله تشکیل معاونتی به نام «امور انتفاضه» در ستاد مشترک

ارتش کرد که این طرح‌ها و اقدامات موجب اختصاص مبالغی کلان به این منظور

شد که طبعاً به کاهش بودجه سایر بخش‌های اقتصادی انجامید. هم‌چنین در پی

کمبود نیرو در ارتش که مقامات رسمی این رژیم اعلام کردند، اقداماتی برای سه

برابر کردن سربازان زن در واحدهای مختلف به ویژه در رسته پیاده برای حراست

از مناطق و خط تماس با فلسطینیان، تأسیس یک گردان جدید اطلاعاتی برای نفوذ و انجام عملیات خنثی‌سازی در مناطق فلسطینی‌نشین، بازسازی واحدهای ویژه «دفدنان»، «مهندسی پهلوم»، واحد ویژه سگ‌ها (عوتکس) و همچنین تقویت فرماندهی لشکرها، تیپ‌ها و گردان‌ها انجام شد. (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)

با نفوذ مبارزان فلسطینی و عوامل شهادت‌طلب به سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ که بیشترین تدابیر امنیتی در آن برای جلوگیری از نفوذ فلسطینی‌ها انجام می‌گیرد، این رژیم مجبور شد با اقدامات مختلف از جمله کشیدن دیوار حائل و سایر اقدامات مهندسی از عملیات‌های نفوذی و استشهادی فلسطینی‌ها جلوگیری کند که بودجه‌های سنگینی را بر این رژیم تحمیل کرد و به تعبیر برخی مقامات، آن رژیم به نوعی خودش را محاصره کرد.

هم‌چنین احداث دیوار حائل به معنی قائل شدن به وجود سرزمینی (هر چند کوچک) برای فلسطینی‌هاست که در تناقض آشکار با آموزه‌های صهیونیسم قرار دارد که قائل به وجود ملت و سرزمینی به نام فلسطین نبوده است.

۹. افزایش تمرد و اعتراض بین نظامیان

با اینکه تشدید سرکوب و اعمال خشونت‌آمیز ارتش اسرائیل علیه انتفاضه تازگی نداشت، چون در این مرحله مبارزات ملت فلسطین جنبه عام به خود گرفت و از چارچوب مبارزات سازمانی و حزبی خارج شد و تمام قشرها اعم از زن و مرد، پیر و جوان به ویژه نوجوانان در آن شرکت فعال داشتند، بخش زیادی از قربانیان این جنایت کودکان و زنان بودند. این امر موجب شد در صفوف ارتش اسرائیل برای تشدید و تکرار اعمال خشونت‌آمیز علیه فلسطینی‌ها تمردها و اعتراضاتی صورت گیرد. این اعتراضات برای رژیمی که ماهیتی نظامی دارد و همه شهروندانش عضو ارتش هستند و خدمت سربازی را مقدس می‌شمارند، قابل توجه و مایه نگرانی شد.

بر اثر انتفاضه میزان رغبت خدمت سربازی بین جوانان اسرائیلی که در سال ۱۹۹۶ معادل ۴۸ درصد بود به ۳۱ درصد (۱۷ درصد کاهش) در سال ۲۰۰۰ رسید.

هم‌چنین میزان داوطلبان خدمت در ارتش در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با سال ۱۹۸۶ (قبل از شروع انتفاضه اول) که ۹۳ درصد بود، ۲۱ درصد کاهش داشته است.

با اوج‌گیری انتفاضه میزان ترس بین نظامیان افزایش چشم‌گیری یافت. میزان ترس



در اول اکتبر ۲۰۰۲، ۵۷ درصد بود، اما در اواسط اکتبر همان سال به ۶۸ و اوایل نوامبر به ۷۸ درصد رسید.

میزان فراریان نظامی ارتش اسرائیل که در سال ۱۹۸۷ برابر ۵۰ نفر در هر هفته بود، در سال ۲۰۰۰ به ۱۷۵ نفر افزایش یافت. (همان)

۱۰. کاهش مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی و افزایش مهاجرت معکوس

یکی از اهداف مهم صهیونیست‌ها از ابتدای طرح شعار تشکیل دولت یهود در سرزمین فلسطین، جذب یهودیان سراسر دنیا و تشویق هر چه بیشتر آنان به مهاجرت و اسکان در این منطقه بوده است تا توازن جمعیت یهودی نسبت به اعراب و فلسطینیان را به نفع خود تغییر دهند.

اصولاً یکی از عوامل قدرت ملی یک کشور میزان جمعیت آن است و چنین مسئله‌ای برای دولتی هم‌چون اسرائیل حیاتی به شمار می‌آید، زیرا بدون جمعیت قادر به اجرا و پیشبرد سیاست‌ها و اهداف خود از جمله توسعه سرزمینی و اشغال هر چه بیشتر مناطق فلسطینی نخواهد بود.

امنیت و مهاجرت دو عنصر اساسی شکل‌دهنده سیاست خارجی اسرائیل هستند. (انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷: ۱۵۵) اندیشمندان یهود مشکل مهاجرت یهودیان به فلسطین را دومین مشکل پس از مسأله امنیت می‌دانند و معتقدند با حل این مشکل، مشکل اول نیز حل خواهد شد. به عبارت دیگر، آینده دولت صهیونیسم وابسته به مهاجرت‌های یهودیان به این سرزمین است. لذا سران صهیونیست از تمام هم‌کیشان خود در سراسر جهان دعوت کرده‌اند برای یاری آنان به سرزمین موعود بشتابند.

دیوید بن گوریون می‌گوید: «پیروزی نهایی اسرائیل با مهاجرت انبوه یهودیان به فلسطین تحقق می‌یابد و بقای آن نیز وابسته به این مهاجرت‌هاست.»

شارون در این باره می‌گوید: «مهاجرت هدف اساسی دولت اسرائیل است. دولت اسرائیل آماده پذیرش مهاجرت و تشکیل مرکزی معنوی و ملی برای همه یهودیان جهان و جذب سالانه ده‌ها هزار مهاجر است.» (سخنرانی شارون در کنفرانس هر تسلیا، ۲۰۰۳)

با شروع انتفاضه و گسترش اعتراضات فلسطینی‌ها و انجام عملیات‌های مبارزان فلسطینی به ویژه عملیات‌های شهادت‌طلبانه موجی از ترس و وحشت بین یهودیان



و صهیونیست‌ها به ویژه آن بخشی که با امید زندگی بهتر از سایر کشورها به فلسطین مهاجرت کردند، پدید آمد. با گذشت زمان و شعله‌ورتر شدن و کشیده شدن دامنه انتفاضه و انجام عملیات مبارزان فلسطینی به مناطق اشغالی ۱۹۴۸، روند مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی رشد منفی یافت و همین مسئله موجب نگرانی مقامات دولت صهیونیستی شد.

آمار مهاجرت‌ها از / به اسرائیل (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)

سال	به اسرائیل	از اسرائیل (مهاجرت معکوس)	نسبت مهاجرت معکوس به مهاجرت	میزان کاهش مهاجرت نسبت به سال قبل	میزان افزایش مهاجرت معکوس نسبت به سال قبل	افزایش کل به نفر	کاهش کل به درصد نسبت سال قبل
۱۹۹۹	۷۸۴۰۰	۱۰۲۶۲	۱ به ۷/۶ (۱۳ درصد)	—	—	۶۸۱۳۸	—
۲۰۰۰	۶۱۵۴۲	۱۲۱۰۵۶	۱ به ۴/۷ (۲۱ درصد)	۲۲ درصد	۲۷ درصد	۴۸۴۸۶	۷۱ درصد
۲۰۰۱	۴۴۶۳۳	۱۷۶۷۹	۱ به ۲/۵ (۴۰ درصد)	۲۷/۵ درصد	۲۵ درصد	۲۶۹۵۴	۵۶ درصد
۲۰۰۲	؟	؟	۱ به ۵۰/۲ (درصد)				

۱۱. رشد منفی جهانگردی و گردشگری و کاهش درآمدهای اقتصادی

یکی از منابع درآمد رژیم صهیونیستی از بخش گردشگری و جهانگردی است. توریسم علاوه بر درآمد اقتصادی موجب رونق و حرکت بخش‌هایی از اقتصاد اسرائیل می‌شود. از لحاظ سیاسی و جلب توجه افکار عمومی نیز گردشگران که از کشورهای مختلف از اسرائیل دیدار می‌کنند، نقش بسزایی دارند. اما انتفاضه خسارت‌های قابل توجهی به این بخش وارد کرد. میزان جهانگردانی که در سال‌های قبل از انتفاضه از اسرائیل دیدار می‌کردند، سالانه ۳/۵ میلیون نفر بود، اما پس از انتفاضه (در سال ۲۰۰۱) به یک میلیون نفر رسید. بر اثر کاهش جهانگردی و توریسم از سال ۲۰۰۱ تا سپتامبر ۲۰۰۲، مجموعاً سه میلیارد شکل به بخش جهانگردی خسارت وارد شد. ۶۰ درصد هتل‌ها با زیان مواجه و ۲۵ درصد آنها بسته شدند و شرکت هواپیمایی العال که نقشی عمده در جابه‌جایی مسافران توریست داشت، ۱۶۰ میلیون دلار متضرر شد. میزان خسارت به بخش سیاحت طی شش ماهه ۳۰ مارس ۲۰۰۲ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۲ معادل یک میلیارد دلار بوده است و از ابتدای انتفاضه الاقصی (۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰) تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۲ حدود ۴۰ هزار نفر در بخش هتل‌داری و مشاغل مرتبط با



جهانگردی بیکار، ۶۶ درصد اماکن مرتبط با جهانگردی تعطیل شدند و درآمد سالانه جهانگردی از حدود ۶/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ کاهش یافت. هزار رستوران و هتل از ابتدای انتفاضه تا سپتامبر ۲۰۰۰ تعطیل شدند و درآمد رستوران‌ها در سال ۲۰۰۱ نسبت به سال ۲۰۰۰، ۳۰ درصد کاهش داشت. علاوه بر آن، افزایش نگهبانان هتل‌ها و رستوران‌ها به علت ترس از انجام عملیات نفوذی در آنها موجب افزایش هزینه آنان شد. (همان)

۱۲. سقوط زودهنگام و مکرر کابینه‌های رژیم صهیونیستی

یکی از ابعاد و شاخصه‌های مهم امنیت داخلی هر کشور ثبات دولت‌ها و کابینه‌های آنهاست. وقوع انتفاضه رژیم صهیونیستی را با بحران‌های متعدد داخلی مواجه ساخت و رؤسای کابینه (نخست‌وزیر) را نسبت به حل بحران انتفاضه که در ابتدای روی کار آمدن وعده حل آن را می‌دادند، ناکام گذاشت.

از طرفی، اختلاف نظر درباره نحوه برخورد رژیم صهیونیستی با فلسطینی‌ها و ارائه راه‌حل‌ها و همچنین اختلاف در نحوه اولویت قائل شدن برای موضوعات (امنیتی، اقتصادی، سیاسی و...) که همه آنها متأثر از انتفاضه بوده است، موجب شد تا عمر عادی کابینه‌های رژیم صهیونیستی از ۴ سال به (میانگین) ۱/۳ سال طی سال‌های اوج انتفاضه کاهش یابد و قبل از پایان مدت قانونی در مواجهه با بحران‌های سیاسی ساقط شوند. همین تغییر زودهنگام کابینه بر معضلات این رژیم افزود.

۱۳. تلفات انسانی صهیونیست‌ها

تلفات انسانی به ویژه بین نظامیان این رژیم در طول انتفاضه رقم نسبتاً بالایی است که در تاریخ شکل‌گیری این رژیم تا زمان انتفاضه و طی جنگ اعراب و اسرائیل کم‌سابقه بوده است. منابع امنیتی این رژیم خسارات وارده در طول انتفاضه را بیش از خسارات این رژیم در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل دانستند. منابع اسرائیلی و آمریکا تلفات (کشته‌های) انسانی رژیم صهیونیستی را از شروع انتفاضه دوم (۲۰۰۰) تا ۱۶ مه ۲۰۰۴ بالغ بر ۹۰۰ نفر بیان کرده‌اند. گرچه شارون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، نسبت به نخست‌وزیران قبلی خود خشونت بیشتری برای سرکوب انتفاضه علیه فلسطینی‌ها اعمال کرد و هنگام نخست‌وزیر شدن قول داد در مدت

۱۰۰ روز انتفاضه را سرکوب و خاموش کند، اما تلفات انسانی اسرائیلی‌ها در دوره وی در مقایسه با قبل ۶ برابر شد. در دوره ایهود باراک نیز در هر ماه ۳ اسرائیلی بر اثر عملیات‌های مختلف فلسطینی‌ها کشته می‌شدند، اما این تعداد در زمان شارون روزانه به ۱۷ نفر رسید.

بنابر اعلام منابع وزارت دفاع اسرائیل، تعداد تلفات انسانی آنان در طول دوره ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹ تا ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۴ در مجموع ۷۴۷۸ نفر (۵۲۲۲ نفر غیرنظامی و ۲۲۵۶ نفر نظامی) بوده است. تعداد مجروحین نظامی ۱۹۶۱ نفر، غیرنظامی ۴۵۴۵ و کشته‌های نظامی ۲۹۵ نفر و غیرنظامی ۵۷۷ نفر بوده است. (گزارش‌ها، ۱۳۸۱)

نتیجه‌گیری

بازگشت ملت فلسطین به هویت اسلامی و ملی خویش در طول انتفاضه که با اتکا به آن توانستند به بخشی از حقوق از دست رفته خود دست یابند، از نگرانی‌های اصلی رژیم صهیونیستی است. اسرائیلی‌ها بارها اعتراف کرده‌اند که تهدید اصلی آنان گرایش‌های اسلامی در فلسطین و خاورمیانه است.

سران صهیونیستی در انتفاضه اعتراف کردند که «برای اولین بار با پدیده اسلام‌گرایی مواجه شدند که مقابله با آن بسیار دشوار است».

شرکت تمام قشرهای ملت فلسطین اعم از زن و مرد، کودک و جوان، تحصیل کرده و بی‌سواد، مجرد و متأهل، یا ساکنان مناطق ۶۷، نوار غزه و کرانه باختری و مناطق اشغالی ۴۸، رژیم صهیونیستی را با بحران عمده در داخل تمام مناطق اشغالی مواجه کرد که مقابله با آن بسیار سخت و دشوار بود و هزینه سنگینی بر آن رژیم وارد آورد. رژیم صهیونیستی معتقد بود مسئله اشغالگری پس از یک نسل بین فلسطینی‌ها به فراموشی سپرده می‌شود، اما در انتفاضه تقابل کودکان فلسطینی را بیشتر از قبل در مقابل خود احساس و هرکدام از آنان را به منزله بمبی ساعتی تلقی کرد و مبارزان فلسطینی را نیز به «خاری» تشبیه کرد که کندن آن موجب رویدن تعداد بیشتری می‌شود.

اگر سال‌های قبل از انتفاضه، رژیم صهیونیستی تلاش نظامی و امنیتی خود را عمدتاً در خارج برای مقابله با گروه‌های فلسطینی و سران آنها متمرکز می‌ساخت،



در انتفاضه اکثر قریب به اتفاق قشرها و مردم فلسطین داخل سرزمین‌های اشغالی را در مقابل خود احساس می‌کرد.

افزایش هماهنگی و اتحاد گروه‌های فلسطینی در انتفاضه موجب افزایش توان (سینرژی) آنان، امیدواری بیشتر مردم و گروه‌ها به ادامه مبارزه و کسب پیروزی و ناکامی اقدامات سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی شد.

انتفاضه موجب شد تا اسرائیلی‌ها در برخی سیاست‌ها و مواضع به اصطلاح تغییرناپذیر خود تنزل نشان دهند. آنان که معتقد بودند ملتی به نام فلسطین وجود ندارد و شعار «سرزمینی (فلسطین) بدون ملت برای ملتی (یهود) بدون سرزمین» را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بودند، ناچار شدند موجودیت فلسطینی‌ها را به عنوان یک طرف قضیه به رسمیت بشناسند و قائل به واگذاری کنترل بخشی از فلسطین- مناطق الف و ب شامل غزه و کرانه باختری- به آنها شوند. فلسطینی‌ها نیز از یک طرف همیشه مغلوب خارج شدند. حتی گروه‌های سازشکار فلسطینی و مسئولان دولت خودگردان از انتفاضه به عنوان پشتوانه‌ای قوی و اهرم فشار برای امتیازگیری بیشتر در مذاکرات سازش با آن رژیم بهره‌برداری کردند.

ملت فلسطین و گروه‌های مبارز که در محاصره کامل نظامی رژیم صهیونیستی بودند و کشورهای عربی آنها را تحریم تسلیحاتی کرده بودند، در انتفاضه با حرکتی جدید در راه خودکفایی تسلیحاتی و نظامی گام برداشتند و سطوح مبارزاتی و میزان کارایی خود را افزایش دادند و موج جدیدی از نگرانی‌ها را بین صهیونیست‌ها و ارتش آن رژیم از سلاح‌های تولیدی خود به وجود آوردند. رژیم صهیونیستی با اتخاذ تدابیر امنیتی و حفاظتی شدید به عدم توان جلوگیری از شلیک موشک‌های ساخت داخل به شهرک‌های یهودی‌نشین اعتراف کرد و حتی چندین بار با یورش به برخی کارگاه‌های کوچک فلسطینی نتوانست توفیقی در کشف کارگاه‌های ساخت این سلاح‌ها به دست آورد.

گروه‌های فلسطینی به رغم تجارب عمده و گسترده اطلاعاتی- امنیتی اسرائیل و سرویس‌های جاسوسی آن علیه خود توانستند بر اثر فشار روزافزون، تدابیر حفاظتی و اطلاعاتی بهتری را نسبت به قبل اتخاذ کنند و بسیاری عملیات استشهادی را با نفوذ به داخل سرزمین‌های اشغالی ۴۸ و حتی تل‌آویو به اجرا درآوردند و از چندین سد امنیتی عبور و ضربات مهلک و خردکننده‌ای به صهیونیست‌ها وارد کنند و برخی



اقدامات ترور رهبران را نیز خنثی یا در یک مرحله با ناکامی مواجه سازند. مردم فلسطین در جریان انتفاضه (اگر چه دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است) به رغم دادن تلفات انسانی (شهید و مجروح) زیاد و خسارات مالی فراوان که بخشی از آن در آمار منعکس شد، مقاومت خوبی کردند، به گونه‌ای که رژیم صهیونیستی کمتر تصور چنین وضعیتی را می‌کرد. حتی برخی شخصیت‌های صهیونیستی به صراحت سرکوب انتفاضه را از راه نظامی غیرممکن دانستند. همین مسئله موجب اعمال فشار شدید بر مسئولان سیاسی صهیونیست‌ها برای مذاکرات صلح و اجبار آنان برای رسیدن به حداقل توافق با فلسطینی‌ها همراه با دادن امتیازاتی به آنان شد.

وارد آمدن خسارت عمده به بخش‌های مختلف، کاهش محسوس مؤلفه‌های قدرت رژیم صهیونیستی از جمله در بخش‌های اقتصادی و تولیدی و ارکان اصلی کیان صهیونیستی (مهاجرت، امنیت و اقتصاد) و هم‌چنین بخش‌های نظامی (افزایش بودجه نظامی و افزایش نگرانی و تمرد و فرار نظامیان و کاهش رغبت در خدمت در ارتش) و نیز افزایش احساس ناامنی و نگرانی امنیتی بین یهودیان، افزایش مهاجرت معکوس و کاهش مهاجرت مثبت به سرزمین‌های اشغالی و تلفات انسانی صهیونیست‌ها که در طول مبارزات ملت فلسطین بی‌سابقه بوده است، طبعاً موجب توجه بیشتر آن رژیم به مسائل و معضلات داخلی خود و کاهش قدرت و امنیت آن در بعد خارجی شد.

شکل‌گیری و ادامه انتفاضه که نقطه عطفی در طول تاریخ مبارزات ملت فلسطین است، با وارد کردن خسارت‌های مادی و غیرمادی زیاد به بخش‌های انسانی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تأثیری عمده در کاهش مؤلفه‌های قدرت و امنیت رژیم صهیونیستی داشته است و ارکان اصلی کیان صهیونیستی را که مبتنی بر اصول سه‌گانه مهاجرت، امنیت و اقتصاد است، با بحران و چالش اساسی مواجه کرد. این امر موجب کاهش توان تهاجمی (توسعه‌طلبانه) و تهدیدهای این رژیم در ابعاد مختلف علیه کشورهای اسلامی و منطقه شد. از سوی دیگر، شکل‌گیری انتفاضه زمینه مناسبی برای پیگیری مصالح اسلامی در قضیه فلسطین و حمایت از ملت مظلوم آن فراهم کرد. دیگر اینکه بستر و فرصت لازم برای پیگیری بهتر منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدهای رژیم صهیونیستی فراهم آمد.

- نورانی، محمد (۱۳۷۶)، اهداف سیاست خارجی ساف در فلسطین اشغالی (۱۹۸۸ - ۱۹۶۴)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- گارودی، روژه (۱۳۶۴)، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه دکتر نسرین حکمی، وزارت ارشاد اسلامی، اسفند.
- المیسیری، عبدالوهاب (۱۳۷۴)، صهیونیسم، ترجمه لواء رودباری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- خسروی، حسین (۱۳۷۷)، نقش اسرائیل در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های خاورمیانه، کتابخانه دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تابستان.
- هیلر، مارک (۱۳۸۱)، تداوم و تغییر در سیاست امنیتی اسرائیل، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
- نقیب‌زاده، بررسی سیاست‌های اروپا و امریکا در خاورمیانه، کتاب خاورمیانه، ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- سخنرانی شارون در کنفرانس هر تسلیا، ۲۰۰۳/۱۲/۱۸ (۲۷ آذر ۸۲).
- عیسی، نجیب (۱۳۷۳)، «نقش آب در توسعه خاورمیانه»، فصلنامه خاورمیانه، س ۱، ش ۱، تابستان.
- ابوجهاد، محمد، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین (۱۳۷۴)، «استراتژی سیاسی و امنیتی اسرائیل»، بولتن ۹۲، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سخنرانی ۲۷ فروردین.
- چامسکی، نوام (۱۳۶۹)، مثلث سرنوشت‌ساز فلسطین، امریکا و اسرائیل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- رباعه، غازی اسماعیل (۱۳۶۳)، استراتژی اسرائیل (۱۹۶۷-۱۹۴۸)، ترجمه محمدرضا فاضلی، نشریه سفیر، تابستان.
- انتشارات بین‌المللی اسلامی (۱۳۶۳)، استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن، مؤسسه الارض، ویژه مطالعات فلسطینی، پاییز.
- رابرت‌گر تد (۱۳۷۹)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ترجمه علی مرشدزاد، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۴)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، نشر قومس، چاپ چهارم.
- رینولدز، فیلیپ آلن (۱۳۸۰)، شناخت اصول روابط بین‌الملل، ترجمه جمشید زنگنه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- جمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۴)، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صادقی حقیقی، دیدخت، «نهضت‌های رهایی‌بخش و تروریسم، از دید حقوق بین‌الملل»، دو ماهنامه سیاسی-اقتصادی، مؤسسه روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۵-۲۰۶.
- باری بوزان، «امنیت نظامی پس از جنگ سرد» (سخنرانی) فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع، ش ۷، زمستان.
- هالستی، کی. جی. (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌المللی، ترجمه بهرام مستقیمی و بهرام مارم سری، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- کوئن، بروس (۱۳۷۷)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- مرکز تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۸)، ستاد نمایندگی ولی فقیه، انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان.
- پیام انقلاب، مجموعه پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی، گردآورنده مؤسسه قاجار.
- تقی پور، محمدتقی، صهیونیسم و مسئله فلسطین، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.
- شاتر، آدام (۲۰۰۵)، در جستجوی حزب‌الله، نیویورک ریو آوبوکز، ۲۴ آوریل.
- نصرالله، سید حسن (۱۳۸۲)، «کنفرانس بین‌المللی تبلیغات عربی و اسلامی در حمایت از مردم فلسطین»، بیروت، شهریور.
- گزارش وزارت امور خارجه (سفارت جمهوری اسلامی ایران در نیکوزیا)، مصاحبه سرتیپ مئیر دگان، معاونت ستاد کل ارتش اسرائیل در امور انتقاضه، ۲۰ آذر.

- فروند، مایکل، نویسنده و نایب رئیس مرکز ارتباطات و برنامه‌ریزی دفتر نخست‌وزیر اسرائیل، (۱۳۸۰)، **جمهوری اسلامی**، اسفند.
- المشامی، شیخ عبدالله (۱۳۷۲)، **حماسه مقاومت فلسطین**، ترجمه جمیله کدیور، انتشارات اطلاعات تهران.
- گزارشات، **مصاحبه خالد مشعل**، از رهبران حماس، ۷۸/۶/۱۰.
- جمیله، کدیور (۱۳۷۲)، **انتفاضه حماسه مقاومت فلسطین**، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سنیه، ژنرال افرایم (۱۳۸۱)، **اسرائیل پس از سال ۲۰۰۰**، ترجمه عبدالکریم جادری، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، چاپ اول.
- حمید، مولانا (۱۳۸۱)، **«انتفاضه فلسطین و انگاره‌سازی رسانه‌های غرب»**، تهران: همایش رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه، ۹ و ۱۰ بهمن.
- انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۷)، **سیاست و حکومت در اسرائیل**، مؤسسه مطالعات فلسطینی، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۸۱)، **برآورد استراتژیک اسرائیل**.
- گزارشات، **انتفاضه و اثرات آن بر رژیم صهیونیستی**، جلد ۱ آذر ۱۳۸۱.
- **کیهان**، ۱۳۸۳/۳/۱۱، ۸۳/۵/۱۴، ۱۳۸۲/۱۱/۱۵، ۱۳۸۳/۲/۱۴، ۸۳/۵/۱، ۱۳۸۳/۱۲/۲۶ و ۱۳۸۳/۱۲/۲۶.
- **همشهری**، ۸۳/۱/۱۷.
- رسالت، (۱۳۷۹) **«سازمان آزادی‌بخش فلسطین، گذشته، حال و آینده»**، ۲۰ بهمن.
- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹)، **«انتفاضه آخرین راه‌حل» و «به کدام سو می‌رویم؟»** شیمون پرز، ۱۳۸۱/۹/۱۸ و ۸۲/۱۱/۲۶، به نقل از روزنامه صباح، ترکیه، ۱۵ فوریه و ۱۳۸۳/۲/۱۴، به نقل از روزنامه عکاظ، چاپ عربستان، ۸۲/۲/۱۳ و ۱۳۸۳/۱۱/۱۲، **«تأملی بر پیروزی حماس در انتخابات»**.
- **رادیو اسرائیل**، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۴ (۸۳/۹/۲۴) و اول ژوئن ۲۰۰۳ (۱۳۸۲/۳/۱۱).



منابع عربی

- مرکز باحث للدراسات (۲۰۰۲)، **سلسله اعراف عدوک**، الموتر الرابع و الثلاثین حركة الصهیونیه العالمیه، بیروت، تشرین الاول.
- ابوناصر، عدنان حسین (۲۰۰۲)، **انتفاضه الاقصیو التضلیل الاعلامی الصهیونی**، بیروت: المؤتمر الدولی للاعلام الاسلامی لدعم انتفاضه، ژانویه.
- میزگرد اثر **الانتفاضه الفلستینیه علی بنیه المجتمع الاسرائیلی**، الجزیره قطر.
www.aljazeera.net/programs/no.limits/articles2002/2/2
- میزگرد شبکه تلویزیونی الجزیره قطر **«اثر الانتفاضه الفلستینیه علی بنیه المجتمع الاسرائیلی»**، عبدالوهاب المسیری، به نقل از روزنامه اسرائیلی یدیعوت آحرونوت:
www.aljazeera.net/programs/no-limits/articles/zooz/z-19-10htm26/09/1381

